



## نیروهای مترقی جهان:

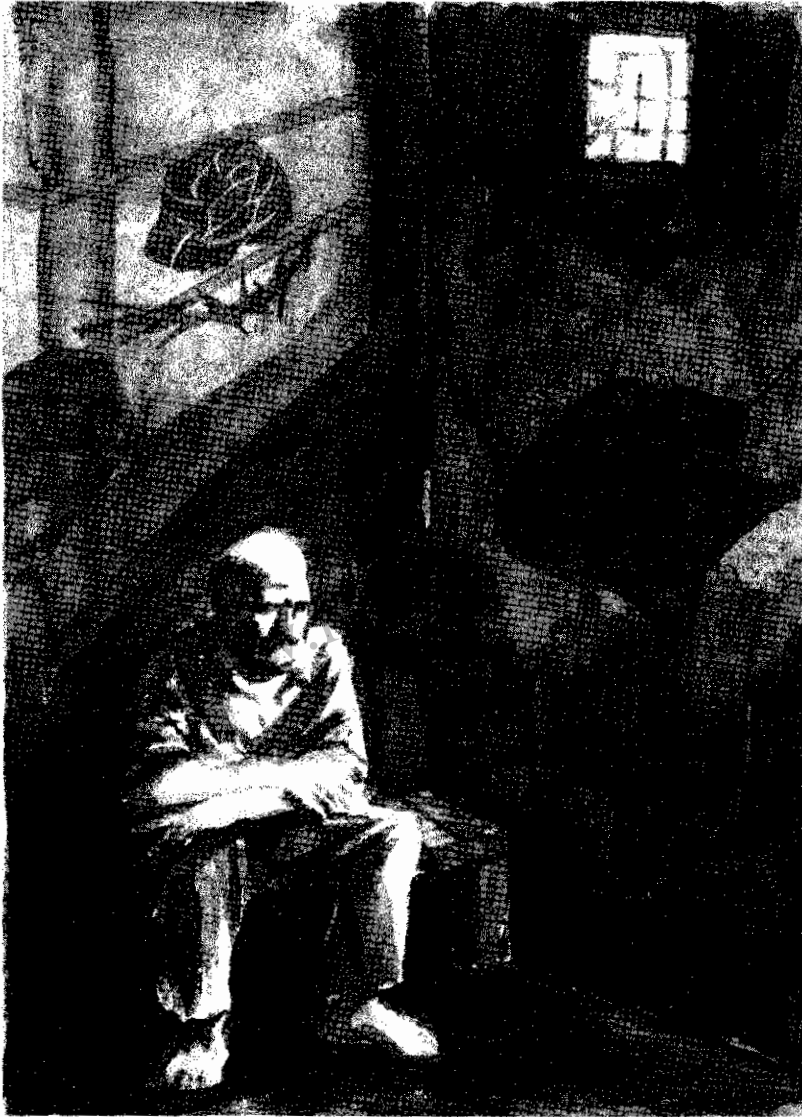
# احکام از پیش صادر شده بیدادگاههای نظامی ج.ا.و، فاقد ارزش است!

بر پائی بیدادگاههای نظامی ج.ا.و، که پشت درهای بسته آن جمعی از افسران میهن دوست و تودهای دیندار، به جرم دفاع از محرومان و آرمانهای انقلاب " محاکمه " می شوند، موج گسترده و عظیم اعتراضات و تظاهرات و اعتصابات غذای مردم مترقی جهان را برانگیخته است. صد ها حزب، جمعیت و

### فرانسه

روزنامه "اومانیته"، روز ۹ دسامبر - گزارش مفسر خود را پیرامون صحنه‌هایی از دادگاه فرمایشی تودهای دیندار و جمعی از افسران

سند یگای کارگری و دمکراتیک جهان، از اولین دقایق پخش خبر پریائی دادگاههای فرمایشی تودهای دیندار، یکپارچه به پا خاستند و با ارسال نامه و تلگرام، برقراری ارتباط تلفنی، حضور در سفارتخانه‌های ج.ا.و در کشورهای مختلف، اقدامات ضد قانونی، ضد بشری و اتخاذ شیوه "محاصره" سریع فیزیکی جمعی از افسران وطن دوست، تودهای دیندار و تمامی مخالفان سیاسی حکومت را زیر پوشش برگزاری بیدادگاههای نظامی در بسته بدون حضور وکلای مدافع، خبرنگاران خارجی و هیأت های ناظر بین المللی، محکوم کردند. خبر های رسیده حاکی است که برخی از مقامات مسئول سفارتخانه‌ها از روبرو شدن با نمایندگان این هیأت ها سر باز می زنند و تمامی آنها که از توجیه سیاست های قانون شکنانه و ضد انسانی حکومت متبوع خود عاجزند، از ارائه پاسخ صریح به خواست های مبرم و به حق این نمایندگان طفره می روند. در پاره‌ای موارد سنگسار و محاصراتی دولتی ج.ا.و از درسیافت تلگرام های



اعتراضی که حاوی خواست شرکت دانان در دادگاههای فرمایشی است و برقراری ارتباط با مقامات ج.ا.و آشکارا امتناع می کنند. " راه توده "، ضمن تقدیر از اعتراضات انسان دوستانه و تأیید خواستهای برحق این نمایندگان افکار عمومی مترقی جهان به درج گوشه‌هایی از آن مبادرت می ورزد.

میهن دوست که در سیمای ج.ا.و به نمایش گذاشته شده، به چاپ رساند. این روزنامه، ضمن محکوم کردن اقدامات غیر قانونی و نقض اصول و موازین بین المللی و انسانی، از جانب سردمداران و برپا کنندگان این بیدادگاههای نظامی می نویسد: " دادگاهی که حتی معلوم نیست، در آن چه کسی توسط چه کسی و به خاطر چه محاکمه

می شود! محاکمه‌ای که اظهارات مقامات در باره آن، فردای همان روز رسماً تکذیب می شود. محاکمه‌ای که صحنه‌هایی از آن در تلویزیون بسته نمایش گذارده می شود ولی خبرنگاران و ناظرین اجازه حضور در آن را ندارند. چنین است به اصطلاح عدالتی که از دو روز پیش در تهران در حال اجراست!

روزنامه "اومانیته" سپس می نویسد:

" از حضار تصویری نشان داده نمی شود؛ از وکلا نیز به همین ترتیب، وانگهی حتی معلوم نیست که اصلاً متهمین حق دفاع دارند یا نه! دیروز صبح خبری باعث تعجب می شود: مطبوعات ایران گزارش می دهند که در حقیقت فقط یک تن از ۵ نفر مورد بحث به عنوان متهم در دادگاه حاضر بوده؛ ناخدا افضلی او بقیه شاهندان ساده " دادگاه بوده‌اند و نیز اعلام می شود که محاکمه حزب توده نبوده و محاکمه "سازمان مخفی" این حزب در کسار است! " سازمان مخفی ای " که به گفته " دادستان، در ارتش، ژاندارمری و پلیس به منظور " جاسوسی " نفوذ کرده بودند. در این محاکمه جعلی از سه نفر نظامی صحبت می شود ولی تا کنون فقط ناخدا افضلی در مقابل دادگاه حاضر شده است."

● در روزنامه "اومانیته" به تاریخ ۸ دسامبر ( ۱۷ آذر ) خبر زیر همراه با عکس هیأتی متشکل از وکلای فرانسوی درج شده است:

" چهارشنبه ۷ دسامبر ( ۱۶ آذر ) هیأتی متشکل از وکلای فرانسوی، به سفارت ایران در پاریس مراجعه نمود تا نامه‌ای را که در آن نسبت به نقض حق دفاع از متهمین اعتراض شده و نجات جان و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی در ایران خواستار گردیده است، به مقامات سفارت-خانه تسلیم سازد.

**با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**

# حزب کمونیست فرانسه سرکوب توده‌های، مجاهدین و رزمندگان کرد و کلیه دمکراتهای ایران را محکوم کرد

کلیه دمکرات های ایران را محکوم نموده ، از مردم آزادی خواه می طلبد تا با تمام نیرو به اعتراض برخاسته ، آزادی زندانیان و استقرار حکومت قانون را در ایران طلب کنند . حزب کمونیست فرانسه ، مردم این کشور را به اقدامات مختلف از جمله گسیل هیأت نمایندگی و ارسال تلگرام و طومار به سفارت ایران در پاریس فرا می خواند . در پایان فراخوان ، آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی و نجات جان تمامی اعضای حزب توده ، ایران مطرح شده است .

فراخوان حزب کمونیست فرانسه :  
" دولت ایران ، آغاز محاکمات تودهای های در بند را در تاریخ ۶ دسامبر ( ۱۵ آذر ) اعلام نموده است - با توجه به " اعترافات " که تحت شکنجه های جسمی و روانی به دست آمده و اعدام های که در پایان اینگونه محاکمات صورت می گیرد ، می توان نتیجه محاکمات را پیش بینی نمود .  
حزب کمونیست فرانسه ، یاردیگر قاطعانه ، سرکوب تودهای ها ، مجاهدین ، رزمندگان کرد و

نامه مذکور به امضای شخصیت های زیر رسیده است :  
• سرژ دینه • پل دوتانیز • موریس کاستل • ریو • دوکاستل نو • پاتریس کوان سبا • نیکسول • دریفوس • جون نردمان • کلود تهرود • میشل رامدو • شارل لدمن .  
لازم به یاد آوری است که تا کنون جمع کثیری از حقوقدانان و وکلای فرانسوی و خارجی ، حضور در جلسات محاکمه تودهای های در بند را خواستار شده اند ، ولی مقامات ایرانی ، از دادن اجازه ورود به آنان برای سفر به این کشور ، خودداری می کنند .

## ث. ژ. ت. ( کنفدراسیون عمومی کار ) برگزاری دادگاه های علنی را خواستار شده است

اطلاعیه ث. ژ. ت. ( کنفدراسیون عمومی کار ) که در روزنامه " اومانیت " در ششم دسامبر ( ۱۵ آذر ) درج شده بدین مضمون است :  
" نظر به اینکه مقامات حکومتی ایران ، شیوه " احصاء سریع فیزیکی را در مورد مخالفان سیاسی خویش اعمال می کنند ، و مراتب نگرانی شدیدی خود را نسبت به سرنوشت متهمینی که محاکمات آنان اعلام شده است ، اعلام می نماید و مقامات مسئول ایران را موظف به رعایت حقوق حقه متهمین و به ویژه حق انتخاب آزادانه وکیل مدافع می داند . وکلای مدافع منتخب از سوی متهمین ، باید بتوانند بدون هیچ گونه محدودیتی ، وظیفه دفاعی خویش را انجام دهند . محاکمات باید به صورت علنی برگزار گردد و شرکت حقوق دانان و ناظرین بین المللی در جلسات دادگاه تضمین گردد .

• سناتورهای کمونیست عضو کمیسیون امور خارجه مجلس سنای فرانسه ، طی مخابره تلگرافی به سفارت ایران در پاریس ، اختناق در ایسران را قاطعانه محکوم نمودند . آنان خواستار آزادی زندانیان سیاسی مترقی و استقرار دمکراسی در ایران شدند . امضاء کنندگان عبارتند از : جان گارسیادوشنی و رولاند پرلی پان .

## کمونیست های اسپانیایی دادگاه نظامی را محکوم می کنند

در تاریخ ۱۲ دسامبر ، هیأتی از طرف " کانون وکلای جوان در اسپانیا " ، به سفارت ج. ا. ا. در مادرید مراجعه و نامه ای با متن زیر ، به مقامات این سفارت خانه تسلیم نموده است :  
" ما محاکمات تودهای ها را که در پشت درهای بسته انجام می گیرد ، و متهمین آن که از هیچ گونه حقوق قضائی ، از جمله حق داشتن وکیل بر - خوردار نبوده اند ، مردود می شمیریم و خواستار آنیم که به هیأتی از جانب " کانون " ، اجازه بقیه در صفحه ۴

## طپش نورانی

میخیزد در دل من باطپش نورانی  
آن امید ی که نباشد نه هوس می بندار  
در سرم غرش طوفان دگر می زیند  
غریبی کفر نتوان یافت بطوفان بهار  
نه زیند عهدی یاران نه ز کج طبعی بخت  
نه زیند اد سنکاره بنا لایند امید  
گرچه هامون در و صحرا گذرست این طوفان  
همچونک صخره ی برهمنه می باید امید  
هل ، که بر خیزم و افتاده علم برگیرم  
طبل میگوید و جیش ابدی پیش رود  
کاروانی است که آماج نخواهد روتافت  
بار بر بندد ، و از توبه ره خویش رود

## فدراسیون سندیکائی جهانی :

# به نام ۲۰۶ میلیون کارگر جهان این " محاکمات " ، فرمایشی را محکوم می کنیم !

است ، که این قبیل اعمال وحشیانه و مستبدانه ناقض موازین حقوق بشر ، آزادی های دمکراتیک و به ویژه حقوق سندیکائی است و از مسئولین دولتی ج. ا. ا. می خواهد که به این موازین احترام نگذارد ، محاکماتی را که در جریان است ، به طور عمومی و علنی و با حضور وکلای خارجی و نمایندگان مطبوعاتی و خبری جهانی ، برگزار نمایند .  
" فدراسیون سندیکائی جهانی " ، تضمین حقوق سندیکائی زحمتکشان ایران را ، خواستار است .  
دبیر کل فدراسیون سندیکائی جهانی  
ابراهیم زکریا

فدراسیون سندیکائی جهانی ، به نام ۲۰۶ میلیون عضو خود در سراسر جهان ، نگرانی خویش را نسبت به انجام محاکمات دمکراتهای ایرانی در بند ، خصوصاً آنهایی که در عرصه کارگری فعال بودند ، ابراز می دارد .  
در تلگرام از جمله آمده است :  
" نباید پذیرفت " اعترافات " که از طریق خشونت بار شکنجه های جسمی و روانی ، از بازداشت شدگان به دست آمده ، پایه اتهامات وارده بر " متهمین " در این دادگاهها قرار گیرد و بدین وسیله ، حکم حکومتی مبارزان سیاسی و رهبران کارگری ، که مبارزات شجاعانه آنان علیه دیکتاتوری شاه ، زیانزد همگان است ، صاد رگردد .  
فدراسیون سندیکائی جهانی ، بر این عقیده

## احکام از پیش صادر شده دیدگاه‌های

بقیه از صفحه ۳

ورود به ایران و شرکت در جلسات محاکمات داده شود . ما در انتظار پاسخ فوری مقامات ج ۱۰ به درخواست خود هستیم .

● حزب کمونیست اسپانیا ، با اعزام هیأتی به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید و تسلیم نامه‌های به مقامات این سفارتخانه ، مراتب اعتراض خود را نسبت به زیر پا گذاشتن قوانین مسلم قضائی در جریان محاکمات افسران انقلابی ابراز داشتیم . نام چنین است :

" ما عمیقاً نگران جریان محاکماتی هستیم که به تازگی در ایران آغاز شده است . ما خواهیم آنهم که مطابق با مصوبات سازمان ملل متحد ، به هیأتی مرکب از روزنامه نگاران و وکلای مدافع اجازه داده شود ، در جریان این محاکمات حضور داشته باشد . لازم به توضیح می‌دانیم ، این عمل ما به معنای هیچ گونه دخالتی در امور کشورها نیست ، بلکه درخواست ما ، مبنی بر ابتدائی‌ترین حقوق کلیه زندانیان سیاسی مصوب اعلامیه جهانی حقوق بشر است ."

این نامه ، همراه با اسامی کلیه افسران انقلابی‌ای که برای آنان دادگاه نظامی ترتیب داده شده ، در روزنامه ارگان حزب به چاپ رسیده است .

● از طرف حزب کمونیست متحده اسپانیا ، هیأتی همراه با نامه اعتراضی و خواست‌های زیر به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید به مقامات سفارتخانه مراجعه کرده است :

۱- جلوگیری از خطر اعدام افسران آزادی-خواه .

۲- اجازه ورود به هیأتی بی طرف ، مرکب از حقوق دانان ، پزشکان متخصص در امر شکنجه و خبرنگاران به ایران ، جهت ملاقات با زندانیان و شرکت در جلسات محاکمات آنان .

حزب کمونیست متحده اسپانیا ، هم چنین اعتراض خود را نسبت به موارد زیر بیان کرده است :

۱- عدم حضور خبرنگاران خارجی و داخلی در دادگاهها .

۲- عدم برخورداری از حق آزاد انتخاب وکیل مدافع .

● جنبش احیاء و اتحاد حزب کمونیست اسپانیا- طی صدور بیانیه‌ای که توسط چند تن از اعضای هیأت اجرائیه این حزب تحویل سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید گردید ، مراتب نگرانی خود را از وقایع جاری کشور اعلام نمود و به ویژه در رابطه با محاکمه افسران میهن دوست ، نقض قوانین بین ابتدائی حقوق بشر توسط دستگاه قضائی ج ۱۰ را شدیداً محکوم کرد و خواستار اعزام هیأت بی طرفی به ایران ، جهت افشای جریان محاکمات این افسران آزادی خواه گردید . حزب ، همچنین نسبت به عدم حضور وکلای مدافع و روزنامه نگاران داخلی و خارجی در جریان دادرسی اعتراضی نمود

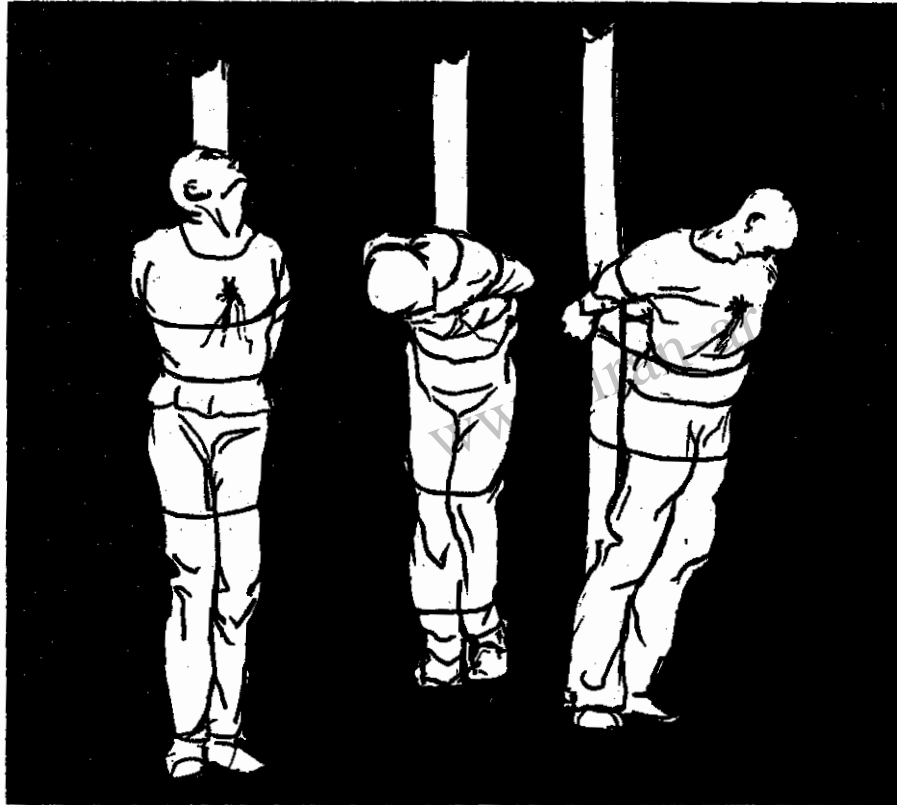
● سازمان عفو بین‌المللی در کاتالونیا ، طی ارسال تلگرامی به تاریخ ۸ دسامبر ( ۱۷ آذر ) به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید خواستار اعزام هیأتی از طرف این سازمان ، جهت شرکت در دادگاه های افسران میهن دوست ایرانی گردید . سازمان همچنین تقاضا کرده است که در صورت امکان از طریق هیأتی با زندانیان سیاسی دیندار و شرایط آنان را از نزدیک بررسی نماید . سازمان قبلاً نیز بارها ، چنین خواستی را مطرح کرده است .

● سازمان هواداران سازمان ملل در کاتالونیا ، تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید مخابره و طی آن نگرانی خویش را از وقایع جاری ایران

" سازمان حقوق بشر " ، از مراجع قضائی ج ۱۰۱۰ خواست که به متهمین فرصت دهند ، از طریق انتخاب آزاد وکلای مدافع ، از خود دفاع نمایند و نیز خبرنگاران داخلی و خارجی ، اجازه حضور در دادگاه داشته باشند .

سازمان هم چنین ، طی یادداشتی که به سفارت ایران تسلیم نموده است ، تمهیدات به جنس فشار و اختناق در ایران اعتراض کرده است . اعتراض این سازمان ، عمدتاً پیرامون محور محاکمات افسران میهن دوست و دمکراتی است که اخیراً در دادگاههای ج ۱۰ محاکمه می‌شوند .

لازم به یادآوری است که این سازمان نیز به دفعات متعدد ، خواستار آن شده است که هیأتی را جهت بررسی وضع زندانیان به ایران ، اعزام دارد . سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید پس از مدت ها تأخیر و بی توجهی در پاسخ به این درخواست بالاخره طی نامه‌ای به سازمان حقوق بشر در مادرید اطلاع داده است ، اجازه ورود به چنین



هیأتی به ایران ، مشروط بر آنست که این سازمان ، ابتدا کارنامه ۵ ساله فعالیت های خود را به سفارت تسلیم کند ، تا در این مورد تصمیم اتخاذ گردد .

● " سازمان جوانان کمونیست اسپانیا " ، طی تسلیم نامه‌ای اعتراضی به مقامات سفارت ج ۱۰ در مادرید ، توسط چند تن از اعضای هیأت اجرائیه سازمان ، احکام صادره از طرف دادگاههای نظامی ایران را در مورد افسران میهن دوست و انقلابی بی اعتبار دانست و نسبت به نقض حقوق بشر در کلیه مراحل دستگیری ، بازجوئی و محاکمات ، به دولت ایران هشدار داده است ، صراحتاً خواستار آن شده تا به هیأتی مرکب از پزشکان ، وکلا و خبرنگاران اجازه داده شود ، تا شرایط زندانیان را از نزدیک بررسی کنند .

بقیه در صفحه ۵

ابراز و اعزام هیأتی از حقوق دانان را به ایمن کشور خواستار شده است .

● سازمان صلیب سرخ در کاتالونیا ، با ارسال نامه‌ای در تاریخ ۸ دسامبر ( ۱۷ آذر ) به سفارت ج ۱۰۱۰ ، برای چندمین بار ، درخواست اجازه بررسی وضع زندانیان از طرف گروهی از اعضای سازمان ، پافشاری نمود .

● " سازمان حقوق بشر " در اسپانیا ، تلگرامی به سفارت ایران در مادرید مخابره کرده ، که طی آن بر رعایت موازین حقوقی و قضائی در جریان محاکمه افسران میهن دوست تأکید ورزیده و خواستار آن شده است ، که احکام صادره در مورد متهمین ، به علت آنکه مقامات ج ۱۰ ابتدائی‌ترین قوانین و مقررات قضائی و انسانی را در مورد آنان رعایت نکردند ، لغو گردد .



# احکام از پیش صادره

بقیه از صفحه ۴

سازمان همچنین، مراتب اعتراض شدید خود را نسبت به عدم حضور خبرنگاران داخلی و خارجی و نیز وکلای مدافع در جلسات دادگاه، ابراز داشته است.

● روزنامه "کثیرالانتشار آل پوبلو" ضمن درج خبر مربوط به محاکمه افسران میهن دوست ایرانی، در دادگاههای نظامی ایران، متذکر شده که "متهمین از داشتن وکیل مدافع محروم بود هاند و محاکمات در پشت درهای بسته انجام شده است."

● "حزب کمونیست کارگری اسپانیا"، از طریق اعزام هیأتی، مرکب از چند تن از اعضای کمیته اجرایی حزب به سفارت ج ۱۰۱۰ در مادرید نسبت به نقض موازین حقوق بشر، در جریان بازجوئی و محاکمه افسران انقلابی و وطن دوست که در دادگاههای نظامی در بسته محاکمه و محکوم شده اند، شدیداً اعتراض کرده است.

این حزب، داشتن وکیل مدافع و حضور خبرنگاران داخلی و خارجی را حق مسلم متهمین دانسته و لغو احکام صادره در این دادگاهها را خواستار شده است برای چندمین بار، برخواست اعزام هیأتی مرکب از حقوقدانان و پزشکان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان پافشاری نموده است.

## تظاهرات دمکراتیکهای سوند علیه برپائی دادگاههای نظامی توده ای ها

روز ۶ دسامبر ( ۱۵ آذر )، از طرف " کمیته دفاع از زندانیان توده ای " در سوند، تظاهراتی علیه دادگاه نظامی توده ای ها، در میدان مرکزی استکهلم برگزار گردید. در این مراسم پتر نسلر، مسئول " کمیته دفاع " سخنانی ایراد کرد، که طی آن به سکوت رسانه های گروهی غرب، منجمله سوند، در باره جنایاتی که در ایران انجام می گیرد و گسترش رابطه بازرگانی سوند با ایران و نزدیک شدن ایران به غرب اشاره نمود و سپس به تشریح بازسازی سازمان اطلاعات و مکانیزم سرکوبی که در آن سپاه پاسداران و ساواک شاه به رهبری فرد وست، مشترکاً فعالیت می کنند و جو ترور، اختناق و شکنجه حاکم در ایران پرداخته وی سپس به نحوه کسب " اقرار " از رهبران حزب توده ایران، تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روانی اشاره کرد و ادامه داد:

" اکنون حاکمیت ج ۱۰۱۰ برای تثبیت چرخش به راست و شاد کردن ارتجاع ایران و امپریالیسم جهانی، حزب توده ایران را به دادگاه نظامی کشیده و برای نابودی آن، از هیچ اقدامی روی گردان نیست. ما این دادگاهها را محکوم می کنیم و اعزام وکلای سوندی را که آمادگی خود را اعلام نمود هاند، به ایران و شرکت در محاکمات توده ای ها خواستاریم."

پس از سخنان نسلر، فراخوانی از جانب هواداران حزب توده ایران در سوند خوانده

شد که طی آن، از کلیه آزادی خواهان سوئد و جهان، سازمان ها و احزاب دمکراتیک و شخصیت های ملی و صلح دوست، درخواست شده بود تا تمام امکانات خود را در جهت

خنثی سازی ساختن جنایات وحشیانه حکومت ج ۱۰۱۰ به کار برند و برپائی بیدادگاههای نظامی توده ایها را محکوم کنند. در فراخوان، همچنین آمده است که حکومت ج ۱۰، با این عمل قانون شکنانه خود که نقض اصول ۲۲، ۴۳، ۴۸ و ۳۹ قانون اساسی است، دست خود را برای نابودی و قتل عام میهن پرستان ایران بازگذاشته است. سپس از افکار عمومی مترقی خواسته شده است، برخواست پرگزارای دادگاههای علنی، با شرکت ناظران بین المللی، حق انتخاب آزاد وکیل مدافع برای متهمین و نیز اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و

اعلام کرده است. این رفتار قانون شکنانه ج ۱۰، مغایر با قانون اساسی، از جمله اصول ۲۲، ۲۳، ۳۵، ۳۶ و ۳۹ آن است. ما از دولت و مجلس سوئد می خواهیم که برای جلوگیری از قتل عام های در حال تکوین در ایران، کلیه امکانات خود را به کار برند و از خواسته های ما مبنی بر برگسزاری دادگاه های علنی با شرکت ناظرین بین المللی، موافقت با ورود هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک پشتیبانی و نقض موازین حقوق بشر را در این کشور، محکوم نمایند."

تلگرام دیگری نیز، از طرف تظاهر کنندگان، به رئیس جمهوری و رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، مخابره گردیده که متن آن چنین است: " شرکت کنندگان در تظاهرات ۶ دسامبر، متشکل از احزاب و سازمان های سیاسی در سوند



همراه با موج گسترده جمعیت های بین المللی به برگزاری دادگاه نظامی علیه توده ای ها و افسران میهن دوست، شدیداً اعتراض می کنند و خواستار تشکیل دادگاههای علنی با شرکت ناظران بین المللی هستند. صلاحیت دادگاهها باید از نظر بین المللی شناخته شده باشد و متهمین طبق اصل ۳۰ قانون اساسی ایران، از حق انتخاب آزاد وکیل مدافع، برخوردار باشند. سازمان ها و احزاب زیر متن تلگرام را امضاء نمود هاند:

- کنگره ملی آفریقا ● سازمان مترقی ترکیه ● دفتر همبستگی ترکیه (ادیسک) ● دفتر زنان مترقی ترکیه ● حزب چپ کمونیستها ● حزب کمونیست کارگری سوئد ● جوانان کمونیست سازمان جوانان کمونیست سوئد ● حزب کمونیست عراق ● سازمان دانشجویان عراقی ● سازمان دانشجویان کرد در اروپا - شاخه سوئد ● جبهه خلق برای آزادی فلسطین ● حزب کمونیست فلسطین ● حزب کمونیست شیلی ● حزب

بقیه در صفحه ۱۱

حقوق دانان، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک پافشاری نمایند.

پس از خواندن فراخوان، تظاهر کنندگان در صفوف منظم و مشعل به دست با حمل پلاکات و دادن شعارهایی مانند: " دادگاههای نظامی توده ای را متوقف کنید "، " به شکنجه زندانیان پایان دهید "، " زنده باد همبستگی با حزب توده ایران " و " مرگ بر امپریالیسم آمریکا! "، به طرف پارلمان سوئد راه پیمائی کردند. در مقابل پارلمان، قطعنامه ای که خطاب به اولاف پالمر، نخست وزیر و نیز وزیر امور خارجه و رئیس پارلمان این کشور، صادر شده بود، خوانده شد، که طی آن آمده است:

" مدت ده ماه از دستگیری توده ای ها می گذرد. این مبارزین را به خاطر کسب " اعتراف " به جرم هایی که هرگز مرتکب نشده اند، تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داده اند. عده ای از آنان، در اثر شکنجه های وارد به شهادت رسیدند و حاکمیت ج ۱۰، مرگ آنان را به عنوان خودکشی

# "ارجی" که حاکیست جمهوری اسلامی برای زنان قائل است

داعیه سردمداران ج ۱۰، مبنی بر "ارج نهادن به مقام زن" و "بزرگ داشتن شأن او، هم آهنگ و هم خوان با افزایش یخامت وضع زنان در جامعه" ما، پیش می رود. بی پایگی این ادعا ها، به خوبی از "بیانات"، و اقدامات حاکمان ۱۲ پیداست.

آنچه آنان به عنوان "مقام زن" از آن بیاد می کنند، در واقع شأنی است که در خورد هیچ موجودی نیست. توهین و تحقیر و بی حرمتی به "زن" تنها ارمغانی است که حاکمیت ج ۱۰ به زنان ما پیشکش کرده است. نگاهی کوتاه به عرصه هایی که زنان در اثر مبارزات پیگیر و جانبازانه خود، "حق" فعالیت در آنها را به دست آورده اند؛ این واقعیت را به روشنی ثابت می کند:

۱- در عرصه آموزش، "پس راندن" زنان به سیاست عمده مسئولان آموزش و پرورش بدل شده است.

برنامه آموزشی که مطابق قانون اساسی ج ۱۰ می باید اجباری و به رایگان انجام گیرد، نه تنها به اجرا در نمی آید، بلکه مجریان قشری امر آموزش در میهن ما، با ایجاد موانع ساختگی در راه تحصیل کودکان ایرانی به خصوص دختران، در جهت عکس آن عمل می کنند. جدا ساختن دختران و پسران روستائی در دوره ابتدائی و محروم ساختن بسیاری از دختران روستائی از تحصیل به بهانه فقدان امکانات تشکیل کلاس های مجزا - منحل کردن رشته ریاضی در اغلب دبیرستان های دخترانه، ممنوعیت تدریس دبیران مرد در کلاس های دخترانه، با وجود رعایت کامل حجاب، اخراج بهترین و با تجربه ترین دبیران و معلمان زن به جرم دگراندیشی، انحلال کلاس هایی که کمتر از ۳۰ دانش آموز دارند، تنزل کیفیت کتاب های درسی دختران و تغییر محتوای آن، به بهانه آماده کردن دختران جهت "انجام وظیفه اصلی" یعنی خانداری و بچه داری و محروم ساختن زنان از تحصیل در بسیاری از رشته های دانشگاهی مانند کشاورزی و دامپروزی، رشته های مختلف فنی و مهندسی، زمین شناسی و معدن، باستان شناسی و غیره و هم چنین محروم کردن زنان فارغ التحصیل از کسب تخصص در رشته های معین، از جمله اقدامات مقامات مسئول آموزش و پرورش ج ۱۰ است.

۲- در عرصه اجتماعی، این تضيقات ابعاد فاجعه آمیزی به خود می گیرد:

زنان هر چه بیشتر از صحنه اجتماع دور و به خانه ها رانده می شوند، حقوق آنان نه تنها محترم شمرده نمی شود، بلکه از حقوق محدودی که در اثر مبارزات طولانی به دست آورده اند محروم می گردند.

حاکمیت راستگرایی ج ۱۰، با زیر پا گذاشتن

قانون اساسی، که با خون مردم نوشته شده است به جای الغای قانون مدنی رضا شاهی، با تشکیل دادگاه های مدنی خاصی و برپائی دادگاه هایی که بر اساس "فقه اسلامی" و "فتاوی مندرج در رسالات دادخواستهای مطروحه را حل و فصل می کنند امید زنان را به یأس بدل ساخته است. امروز زنان ایران از حق طلاق، ازدواج بدون رضایت ولی، حتی پس از رسیدن به سن قانونی، حق سرپرستی و ولایت اطفال در صورت طلاق یا فوت همسر، حق مسافرت و حتی خروج از منزل بدون اجازه ولی یا همسر، حق قضاوت، حق شهادت مستقل در دادگاه ها، حق اشتغال به حرفه مورد علاقه بدون اجازه همسر یا ولی محرومند. در مقابل، مردان می توانند هر لحظه که اراده کنند، همسر خود را طلاق گویند و تا چهار زن عقدی و بی نهایت زن "صیغه" را در آن واحد، به عنوان همسر در خانه نگهدارند. زنان پس از طلاق هیچ گونه حقی نسبت به دارائی خانواده که با کوشش مشترک به دست آمده ندارند.

مطابق قانون قصاص که به تصویب رسیده است، انسانها مانند دوزان بربریت به کوچکترین بهانه های با ضربات شلاق و سنگسار کردن و قطع دست و غیره مجازات می شوند. جسم و روح انسان در فرهنگ ج ۱۰ کوچک ترین ارزشی ندارد.

۳- در عرصه کار و فعالیت نیز، وضع به همین منوال است:

اصل ۱۱ قانون اساسی ج ۱۰، حق انتخاب کار را برای عموم به رسمیت می شناسد اما در عمل این حق از زنان گرفته شده، تکیه غیر منطقی حاکمیت راستگرایی ج ۱۰ بر روی وظیفه مادری، بازنشسته کردن زنان کارمند یا ۱۵ سال سابقه کار، تصویب قانون نیمه وقت کردن زنان کارمند، محدود کردن مهد کودک ها و کودکستان ها، اخراج بی رویه زنان از کارخانه ها و ادارات و هم چنین اخراج چندین هزار نفر از زنان روشنفکر از مدارس و دبیرستان ها و حتی دانشگاه ها، به جرم دگراندیشی و "زن بودن نشانه بارز نگرش قشری و ارتجاعی ج ۱۰ در مسئله اشتغال زنان است.

مطابق اصل بیست و هشتم قانون اساسی، حاکمیت ج ۱۰ موظف است برای کلیه افراد امکان کار مناسب فراهم کند. جو حاکم بر کارخانه ها و ادارات کاملاً مغایر این اصل مترقی قانون اساسی است. مدیران "توانسا"ی کارخانجات، زنان کارگر را به بهانه های واهی چون عدم رعایت حجاب اسلامی، بی کاری مردان، صرفه جوئی در هزینه ها و ... اخراج می کنند. اعتبارات مربوط به شیر خوارگاهها و مهدکودک ها را محدود و محدودتر می سازند. دیده شده است که زنان کارگر را به جرم اعتراض به شرایط

غیر انسانی کار، به عنوان تنبیه به کارهای سخت و نامناسب با وضع جسمی آنان گمارده اند و این نوع تنبیه عواقب وخیمی در پی داشته است. بسیاری از زنان پس از استفاده از مرخصی زایمان، کار خود را از دست می دهند. احساس عدم امنیت شغلی، زنان را وادار می دارد تا از این حق قانونی خود استفاده نکنند. زنان زحمتکش و نیازمند میهن ما به شدت توسط سرمایه داران غارتگر استثمار می شوند و در مقابل کار مساوی با مردان، دستمزد کمتری دریافت می دارند. انسان از امکان آموزش حرفه ای و کسب مهارت و ارتقای شغلی برخوردار نیستند.

قشریون راستگرا و نیروهای تسلیم شده حاکمیت ج ۱۰، به جای رسیدگی به مسائل واقعی و اساسی مردم، مسائل جنینی از جمله مسئله حجاب را پیش می کشند و آن را عمده می کنند، تا پشت این سپر آهنین، از گردن هر گونه اعتراضی در امان بمانند. در طول سال های اخیر، فشار تنگ نظرانه در مورد حجاب یکی از عوامل عمده ناراضی تراسی بوده است.

۴- در عرصه آزادی های دموکراتیک و سیاسی وضع زنان اسف بارتر است.

این واقعیتی است که امروزه در کشور ما، کترین نشانی از موازین آزادی های دموکراتیک باقی نمانده است و زنان، هم چون همه مردم ایران از نبود این ابتدائی ترین حق زیستن رنج می برند. زندان های ج ۱۰، از زندانیان سیاسی پر شده است و بخش بزرگی از آنان را زنان انقلابی تشکیل می دهند. حقوق انسانی زندانیان به وحشیانه ترین و خشن ترین شکلی زیر پا گذارده می شود. زنان هنگام دستگیری مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و آنان را با کبودکان شیرخوارشان و کسانی که تنها جرمانا و بستگی خانوادگی با مبارزین سیاسی است، دستگیر می کنند. خانواده ها تا مدت ها از سرنوشت عزیزان خود بی خبر می مانند. زندانیان، از حق ملاقات و داشتن وکیل مدافع محرومند و به منظور کسب اطلاعات و با ابراز مطالب مورد دلخواه پاسداران اختناق، مورد شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار می گیرند. موارد اعمال تجاوز جنسی در زندان ها کم نیست، عاملان این جنایات استدلال می کنند "چون دختران پاکره پس از مرگ به بهشت می روند باید آنان را از این موهبت محروم کرد". "از این رو محکومین به اعدام را پیش از اجرای حکم به "صیغه" زندانیان در می آورند. آنها بدین ترتیب برای وحشیانه ترین شکنجه ها توجیه شرعی می تراشند.

نبودن دادگاه های صالحه، عدم حضور هیأت منصفه بی طرف، صدور احکام محکومیت های سنگین و زندان های طویل المدت و اعدام های بقیه در صفحه ۷

# بار دیگر خشم مردم در تظاهرات گسترده تجلی یافت!

بقیه از صفحه ۱

مینی بر زنانه - مردانه کردن اتیوسهای مسافر- بری - در آبان ماه - و اعتراضات جمعی ضد جنگ محرومان شهرهای مختلف که از ادامه سیاست " جنگ ، جنگ ، تا پیروزی " به جان آمد ماند، بار دیگر جنوب تهران ، به صحنه زد و خورد های خونین و تظاهرات گسترده مردمی بدل شد، که با تجربه شخصی و آگاهی خود دریافتانند ، اقدامات حاکمیت ج ۱۰ علیه منافع زحمتکشان در داخل کشور ، در سیاست خارجی آن نیز تبلور می یابد و اعمال همیست سیاست ، انقلاب و میهن ما را به سوی شکست نهائی سوق می دهد .

به گزارش خبرگزاری ها " ناطق نوری در یک مصاحبه مطبوعاتی فاش ساخت در روز گذشته ( در زد و خورد ) بین گروهی از افغانیان مقیم تهران و عده ای از مردم تهران ۲ تن کشته شدند " وی گفت :

" روز جمعه ، در ناحیه ای از جنوب تهران که محل رفت و آمد اصلی مردم می باشد ، زد و خوردی روی داد . . . . به دنبال این حادثه گروهی از اهالی به راه پیمائی پرداختند . . . هم زمان در ورامین نیز تظاهرات مشابهی روی داد . . . "

بر پائی این گونه تظاهرات و ابراز ناراضی ها که از چشمه روندی قانونمند آب می خورد ، ریشه در ژرفای بحران همه سویه و حادی دارد ، که سرپای جامعه ما را فرا گرفته است . اعمال سر- سخنانه سیاست های امپریالیسم پسندانسه از جمله تلاش برای سازمان دادن توطئه گسترده و جنگ اعلام نشده علیه انقلاب افغانستان ، با همکاری مستقیم با امپریالیسم جهانی و با خرج مردم محروم ما ، اکنون برآمد این بحسبران است . مدتهاست که تقدیم بلاغوس سرمایه های مردم به امپریالیست ها - به بهانه " جبران خسارت آنان - احیای وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، دعوت مکرر از صاحبان بخش خصوصی " به میدان داری " ، بازگرداندن زمین های زیر کشت به " خان های به آغوش مام وطن بازگشته " ، تحدید هر چه بیشتر حقوق حقه کارگران - که در اثر مبارزات طولانی علیه رژیم طاغوت کسب کرده اند - و بی اعتنایی مطلق به خواستها و نیازهای اساسی و میسر آنان ، اعمال ستم و تحقیر به بیش از نیمی از جمعیت ایران - زنانی که در امر مبارزه برای سرنگونی شاه از هیچ کوششی دریغ نکردند - اعمال فشارهای طاقت سوز بر جوانانی که اینک بی کار ، بدون امکان تحصیل ، بی برنامه و وجود روزنه امید ، به حال خودرها شده و یا به قربان گاه های جنگ توسعه طلبانه گسیل می- شوند ، سرکوب خونین و سبعانه پی گیریترین مدافعان حقوق مردم و آرمان های انقلاب ، تحمیل و مسلط ساختن جو پلیسی و نا امنی مطلق بر جامعه ، ترویج و اعمال بی قانونی در تمامی مرصه ها . . . . با پذیرایی تبلیغاتی از " به

اصطلاح مجاهدان افغان " توام شده است . به گواهی بازرسان سازمان ملل شرایط زندگی فراریان افغان در ایران ، از شرایط زندگی هموطنان آنان در کشورهای همسایه بهتر است . حاکمیت ج ۱۰ ، در این میهمان نوازی پرخرج مقاصد سیاسی آشکارا ارتجایی را دنبال می کند ، هدف حاکمیت ج ۱۰ آنست که پس از نا امیدی دولت پاکستان از پیروزی توطئه های ضد انقلابی علیه افغانستان میهن ما را به پایگاه اصلی توطئه امپریالیستی براندازی انقلاب افغانستان تبدیل کند .

به گزارش روزنامه " ج ۱۰ تعداد افغانیان مقیم ایران به ۱/۵ میلیون نفر رسیده است - نزدیک به نیمی از آنان پیش از پیروزی انقلاب شور افغانستان در جستجوی کار و تأمین معاش به ایران آمده بودند . پس از سرنگونی شاه و گسترش جنگ اعلام نشده با انقلاب افغانستان ، ایمن زحمتکشان محروم به ناگاه با پذیرائی ها و نوازش های غیر مترقبه رهبران ج ۱۰ مواجه شده بودند . دوستان و بستگان و هم ولایتی های خود را نیز به مهاجرت به ایران و بهره گیری از این خسوان نعمت فراخواندند . فعالیت دسته های تبهکار و قاچاقچی و جنایت کار در میان مهاجرین - افغانی که در رأس آنها فئودالهای ضد انقلابی افغانی قرار دارند ، دامن گیر توده زحمتکشان محرومی که آلت دست امپریالیسم جهانی ، ضد انقلاب افغانستان و توسعه طلبان ج ۱۰ هستند نیز شده است . و در جو بدبینی و نفرتی که نسبت به مفت خورانی که به بیای همکاری با امپریالیسم جهانی ، و به بهانه صدور انقلاب اسلامی " به افغانستان ، سفره تهی مردم محروم ما را تهی می کنند ، برخورد های خونین ، از قبیل آنچه که در هفته گذشته در تهران اتفاق افتاد ، بهیچ وجه دور از انتظار نیست . با ادامه سیاست کنونی حاکمیت ، این برخورد ها در آینده چه بسا در مقیاس گسترده تر تکرار خواهند شد . تظاهرات گسترده ای که روز جمعه گذشته در تهران به پا شد ، یار دیگر درستی رهنمود های حزب ما را در این زمینه ها به نمایش گذاشت . ما گفتیم و می گوئیم شرکت در توطئه امپریالیستی علیه انقلاب و جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان ، به سود مردم دو کشور نیست . این سیاست تنها و تنها ، به سود تحقق بخشیدن به خواسته های امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست . ما می گفتیم و می گوئیم مردم ایران - یمن - عراق همیشه در برابر همکاری با بلازمانهای جاسوسی امپریالیستی ، بر علیه مردم برادر افغانستان ساکت نخواهند نشست . ممکنست و می توان تظاهرات کنندگان علیه سیاست های امپریالیسم پسندانسه ج ۱۰ را دستگیر کرد و به زندان انداخت . ممکنست و می توان آزادی اعتراض مردم را به " جرم " تودهای بودن ، سلب کرد و هرگونه ای حق طلبانهای را در نطقه خفه کرد . ممکنست و می توان با اعمال سیاست های خشن و سرکوب -

گرا نه خون مردمی که " در این زد و خورد ها " و " تظاهرات " ریخته می شود ، پامال ساخت ، اما ممکن نیست و نمی توان برای همیشه سکوت مرگبار گورستان را بر جامعه ایران حکمفرما کرد . اما ، راستگرایان و آستان بوسان امپریالیسم بی توجه به اعتراضات مردم زاه خود را ادامه می- دهند . آنان راه حل هایی را که برای مشکلات مردم ایران برگزیده اند ، به " مهاجران افغان " نیز تعمیم می دهند . روزنامه ج ۱۰ می نویسد : " . . . برادران افغانی با توجه به توطئه های گسترده ای که استکبار غرب و شرق و اذتاب آنان علیه ملت انقلابی و مسلمان ایران به راه انداخته اند . . . ( باید ) مشتی از منقریفی را که خود بهتر می شناسند ، افشا نمایند و صفوف خود را مطابق بنا صفت اسلامی " مهاجر فی - سبیل الله " تزکیه نمایند . تا هیچکس نتواند به نام آنان و با استفاده از کسوت افغانی ، دست به سوء استفاده بزند " ( جمهوری اسلامی - ۱۵ آذر ۱۲ ) .

اگر غارتگران بازاری توانستند با " طرد و افشاء " گرانفروشان و محترکان ، احتکار و گرانفروشی را ریشه کن سازند ، فئودالها ، قاچاقچیها و راهزنان افغانی نیز می توانند با " تزکیه و تصفیه " صفوف خویش ، نفرت مردم از ضد انقلاب افغانستان ، و مدافعان آنان را ، ریشه کن سازند . حاکمیت ج ۱۰ در این زمینه نیز راه ادامه و تشدید بحران را انتخاب کرده است . \*

## "ارجی"، که حاکمیت جمهوری اسلامی برای زنان قائل است

بقیه از صفحه ۶

جمعی بدون محاکمه و بدون دلایل مشخص ، از دختران ۱۴ - ۱۳ ساله تا زنان مسن ، از واقعیات روزمره زندان های ج ۱۰ است . مادران و همسران زندانیان برای کسب اطلاع از وضع خویشان زندانی خود ساعت ها و روزها پشت دیوارهای زندان در انتظار می - مانند و مورد توهین و اذیت قرار می گیرند . مسئولان زندان ها خود را به رعایت ابتدائی ترین حقوق انسانی در مورد خانسواده های زندانیان سیاسی ملزم نمی دانند . آنها خبر اقدام زندانیان را در نهایت خشونت به خانواده ابلاغ می کنند و از اعمال اقدامات توهین آمیز و هتک احترام به اجساد قربانیان خود نیز ابائی ندارند .

این واقعیات دردناک ، زنان مبارز و آزاده ما را بر آن داشته است تا به طور متشکل و متحد از حقوق برحق خود و در امر خلاصی انقلاب ، از مبلکه شکست قطعی به دفاع برخیزند و در راه احیای آن بکوشند . \*

گفتگوی یکی از مسئولین «انجمن همبستگی» به

# مسخ محتوای طبقاتی "طرح تشکیل شورا"

اگر کارگران، تمامی حقایق واحد تولیدی خود

بوده‌اند. بار اصلی جنگ، بر دوش کارگران و زحمتکشان بوده است. این را خود رهبران ج ۱۰ نیز بارها تصدیق کرده‌اند. ولی در عمل چه شد؟ در عمل کارفرمایان می‌توانند آزادانه انجمن صنفی داشته باشند ولی در سر راه تشکیل هسای محدود کارگران و زحمتکشان نیز سنگ اندازی می‌شود.  
به جمله آخر اصل ۲۶ بپردازیم:

"هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها (انجمن‌های صنفی) منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها (انجمن‌های صنفی) مجبور کرد."  
باز در اینجا هم باید گفت که حکومت ج ۱۰ برخورد در گانه‌های یا این جمله دارد. تا آنجا که مربوط به منافع کارفرمایان و سرمایه‌داران است، البته این اصل مراعات می‌شود. ولی هنگامیکه نوبت به کارگران و زحمتکشان می‌رسد مجلس طرح شوراها را تصویب می‌کند، که صریحاً ناقض این اصل است. طبق تبصره ماده ۱۴ این طرح، کلیه کارکنان واحد مجبور به شرکت در شورا هستند. در این طرح صحبتی از تشکیل‌های دیگر کارگری نشده و در حقیقت فرض را بر عدم وجود آنها گذاشته‌اند. یعنی همان چیزی که در "آئین نامه شورای اسلامی کارکنان" مصوب شورای عالی کار در ۹ مرداد ۱۳۵۹ صریحاً ذکر شده است. در این آئین نامه، هر گونه تشکیل کارگری "فیر از شورا" منع می‌شود. بنابراین ما در اینجا با بررسی تک تک جملات اصل ۲۶ قانون اساسی با طرح شوراها به این نتایج می‌رسیم که:

اولاً: طرح شوراها اصل ۲۶ قانون اساسی را نقض می‌کند.  
ثانیاً: طرح شوراها، نشانه برخورد دوگانه حکومت نسبت به کارگران و سرمایه‌داران است.

ثالثاً: طرح شوراها، ناقض مصوبات بین‌المللی در مورد روابط کار و کارگری است.  
س. همانطور که شما اشاره کردید "طرح تشکیل شوراها، اسلامی کسار" را در حقیقت می‌توان قانون دولتی کردن شکل‌های کارگری دانست، که توسط تصام حکومت‌های ضد کارگری به اجرا درمی‌آید. آیا از این نظر چیز تازه‌ای در این "قانون" می‌توان دید؟

ج. بله، واقعیت این است، که تمام حکومت‌هایی که به سیاست‌های ضد کارگری روی آورده، ناگزیر باید مسئله خود را با تشکیل‌های کارگری حل کنند. زمانی بود، که می‌شد این شکل‌ها را نادیده گرفت و یا قصد محو و نابودی کامل آنها را داشت. این کار در دوره رضا خان تا حدی در دوره محمد رضای آمریکائی انجام می‌شد. لکن پس از مبارزات شدید کارگری در چند دهه اخیر، رشد روز افزون و سریع طبقه کارگر و تجارب انقلاب اخیر ایران، کارگران دیگر به لزوم داشتن شکل پسی برده‌اند. اینجا است، که حکومت‌های ضد کارگری امروز از جمله درج ۱۰، ۱۰، به سیاست مسخ و دولتی کردن شکل‌های کارگری روی آورده‌اند. آنها با این کار ظاهراً شکل‌ها را حفظ می‌کنند ولی از درون آنها را بی‌محتوا کرده، به صورت آلت دست خود در می‌آورند. از این نظر "قانون شوراها" چیز تازه‌ای ندارد. ولی در عین حال، نباید فراموش کرد که قوانین دولتی کردن سندیکاها در حکومت‌های ضد کارگری بی‌بسیج وجه نعل به نعل مطابق هم نیستند. هر سندیک بنسباً به مقتضیات، به اشکال مختلفی در می‌آیند. هر یک سعی می‌کنند تازه‌ترین فریب‌ها و حیل‌ها را به کار گیرند. از این نظر البته چیزهای تازه‌ای در این "طرح شوراها" وجود دارد.

اولین چیزی که در این طرح جلب نظر می‌کند این است، که طراحان آن حد اکثر سو استفاده را از کلمه شورا و نظام شورائی کرده‌اند. شورا و نظام شورائی، که بیانگر خواست انقلابی مردم جهت تغییر بنیادی نظام شاهنشاهی بود، اکنون پرده‌ای می‌شود، که در پشت آن حاکمیت چهره ضد کارگری خود را پنهان می‌کند. آنها با این کار در حقیقت می‌خواهند وانمود کنند که چیز جدیدی برای کارگران ابداع کرده‌اند گویا "نه شرقی است و نه غربی" است و اصلاً هیچ شباهتی به سندیکاهای کارگری ندارد و برای اولین بار در دنیا نظام شورائی را در سراسر

س. همانطور که شما اشاره کردید، "قانون تشکیل شوراها، اسلامی کسار" ناقض اصل ۲۶ قانون اساسی است. ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید. ج. بله، این مسئله آنقدر واضح و روشن است، که قاعدتاً نیاید نیازی به توضیحات مفصل داشته باشد. ولی متأسفانه آنقدر طبله مضمون این اصل ۲۶ تبلیغات سو و عوام فریبانه شده است که انجمن همبستگی و دیگر سازمانهای صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان مجبور شده‌اند بارها و بارها محتوای این اصل قانون اساسی را برای کارگران توضیح دهند.

متأسفانه امروزه شرایط کشورمان طوری است که ما مجبوریم الفبای قانون اساسی را به کسانی، که خود زمانی طرفدار آن بوده‌اند، یادآوری کنیم. اصل ۲۶ قانون اساسی ج ۱۰ می‌گوید:

"احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی را نقض نکنند، هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور کرد."

خوب، بیاییم تک تک این اصل مهم قانون اساسی را که ضامن فعالیت آزادانه صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان است، بررسی کنیم تا معلوم شود واقعیت جامعه ما تا چه حد با اصول مردمی قانون اساسی فاصله دارند و روز به روز هم این فاصله بیشتر می‌شود، یا اینکه این اصل فقط به حقوق صنفی مربوط نمی‌شود ولی ما در این جا، خود را فقط به جنبه صنفی آن محدود می‌کنیم. جمله اول اصل ۲۶ می‌گوید:

"انجمن‌های صنفی آزادند."  
این جمله کوتاه، صریح و روشن است. انجمن‌های صنفی، یعنی شکل‌هایی از اعضای هر صنف که برای نمایندگی و دفاع از منافع آن صنف خاص ایجاد می‌شوند آزادند. این صنف را به طور کلی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. صنف متشکل از کارفرمایان و صنف زحمتکشان. در این مورد، در مقاله نامه بین‌المللی شماره ۸۷ در باره آزادی سندیکایی و حمایت از حقوق سندیکایی صوب ۱۳۲۷ چنین آمده است:

"زحمتکشان و کارفرمایان بدون هیچگونه تمایزی حق دارند بدون کسب اجازه سازمان‌های مورد نظر خود را تشکیل دهند، همچنین به این سازمانها بپیوندند، تنها به این شرط، که اساسنامه آن را رعایت کنند."  
البته برای برخی از صنف در شرایط کنونی آزادی وجود دارد و روزنامه‌های رسمی ایران مرتباً آگهی‌های تشکیل آنها را به چاپ می‌رسانند. آگهی انتخابات اتحادیه صنف صناعات فلزی، آگهی سندیکای شرکت‌های حمل و نقل بیسن - المللی، آگهی انتخابات صنف سازندگان و فروشندگان صناعات فلزی، آگهی انتخابات اتحادیه صنف سیمانکاران و موزائیسک سازان، اطلاعیه صنف بافروشان و حق العمل کاران و از این قبیل. جالب توجه است که تمامی این صنوف متعلق به کارفرمایان بزرگ و کوچک است. در روزنامه‌های رسمی ج ۱۰ جایی برای تبلیغ و آگهی انجمن‌های صنفی کارگری نیست. زیرا در واقع انجمن‌های صنفی کارگری و دیگر زحمتکشان تحت شدیدترین فشارها قرار دارند.

این واقعیت نشان می‌دهد، که آن بخش از اصل ۲۶، که در برگیرنده منافع کارفرمایان است، مورد تأیید حاکمیت ج ۱۰ قرار می‌گیرد. ولی بخش مربوط به منافع کارگران و زحمتکشان نادیده گرفته شده و نقض می‌گردد. طرح شوراها، مصوب مجلس در واقع تثبیت این واقعیت دردناک است. این طرح حتی برای کارگران و زحمتکشان در تشکیل آزادانه انجمن‌های صنفی قائل نیست و آن را به شورا‌هایی محدود می‌کند، که باید طبق خواست حکومت، با نظارت و کنترل شدید آن و با حضور عوامل کارفرما تشکیل شوند.

بررسی اصل ۲۶ را ادامه می‌دهیم. در جمله دوم این اصل آمده است:

"مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی را نقض نکنند."

در واقع انجمن‌های صنفی، که به دست و خواست و اراده خود کارگران تشکیل می‌شود، نمی‌تواند ناقض هیچ یک از اصول فوق باشد. منافع کارگران و زحمتکشان ایجاب می‌کند، که هر عملشان و هر قدمشان در جهت تثبیت و تقویت خواستههای انقلاب، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باشد. مگر در گرد هم آیی کارگران و زحمتکشان چه سائلی مطرح می‌شود، که ممکن است اصول فوق را نقض کند؟ هیچ. ولی آیا در مورد انجمن‌های صنفی کارفرمایان هم وضع به همین منوال است؟ آیا سرمایه‌داران هم طرفدار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میهن‌مان هستند؟ آیا فقط انجمن‌های صنفی کارگران و زحمتکشان از این نظر مورد شک و تردید حکومت قرار دارند؟ حکومت ج ۱۰ نشان داده است، که نمی‌خواهد به این سوالات پاسخ منطقی و روشن بدهد و در عوض طرح کنندگان این گونه پرسش‌ها را تحت شدیدترین پی‌گرد‌ها قرار می‌دهد. کارگران و زحمتکشان ایران، در طول ۵ سال پس از انقلاب ثابت کرده‌اند، که بار اصلی انقلاب بر دوش آنان بوده است. آنها با تحمل سختی‌ها و دشواریهای حاصل انقلاب، ندانم کاری‌ها و راست روی‌های حاکمیت، همواره در صف اول مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع



# تصویب قانون "شورای اسلامی کار" در مجلس:

## بل صنفی، هدف عمده اسلامی کار، است!

آیا حکومت می تواند همچنان آنها را سرکوبد؟

### بخش دوم

وزحمتشان با قدرت تشکل های خود سخن گویند، این حق را به آنها نخواهند داد . بعد از فرار رضاخان تشکل قدرتمند و سراسری کارگران و زحمتکشان یعنی " شورای متحده مرکزی " بود، که از طرف تمام سازمان های سیاسی مهم و دولت و " فدراسیون سندیکایی جهانی " به عنوان یگانه مرکز سندیکایی کارگسبران و زحمتکشان ایران و بزرگ ترین و مهم ترین آنها در خاورمیانه به رسمیت شناخته شد . " شورای متحده مرکزی " توانست با قدرت کارگران و زحمتکشان ایران حق نمایندگی در شورای عالی کار را به دست آورد . تجربه اخیر ۵ ساله " پس از انقلاب نیز ثابت کرده است، که هر جا کارگران و زحمتکشان توانستند از طریق شورا ها و سندیکاهای گرد هم آیی ها و کنگرها قدرت خود را نشان دهند، خواهند توانست حتی توکلی ها را به عقب نشینی وادار کنند . این آن درس بزرگی است که تجربه مبارزات کارگری به ما می آموزد .

س. چه نکات مهم دیگری در رابطه با نقض حقوق صنفی کارگران و زحمتکشان در این طرح می توان مشاهده کرد ؟

ج. نکته مهم دیگر این است، که دشمنان طبقه کارگر چهره خود را پشت تئورهای طبقاتی پنهان کرده اند . در تبصره ۱ ماده ۱ آمده است: کلیه کارکنان مشاغل هر واحد در سطوح مختلف از کارگر تا مدیر مجمع کارکنان را تشکیل می دهند . این تبصره، که اهمیت تعیین کننده ای در نسخ محتوای طبقاتی تشکل صنفی کارگری دارد، نشانه تثبیت خط مبلغین سازش طبقاتی است . این تبصره دست پخت کسانی است، که زمانی ادعای نابود کردن سرمایه داری را داشتند و اکنون به آن تسلیم شده اند .

سراسر این طرح آقای بازگان بود که سرمایه داران را " مستضعفین واقعی " معرفی کرد . بنی صدر نمک خود را بر آن پاشید و خواهان لذت بردن سرمایه داران از لطف کارگران شد . اکنون کسانی که زمانی ادعای مخالفت جدی با سرمایه داری را داشتند، بنی صدر را داشتند، حاصل این دست پخت را در سینی گذاشته جلوی کارگران قرار می دهند . حاصل این تبصره در حقیقت، مخدوش کردن منافع کارگران و دیگر زحمتکشان با منافع کارفرما است . حکومت می خواهد با این کار، محتوای طبقاتی تشکل صنفی را مسخ کند . سرمایه داران همواره میل دارند با

پهانه قراردادن، مصالح ملی، وحدت مذهبی، خطر جنگ و غیره کارگران را از ایجاد تشکل های مستقل خود بازدارند و خود را با آنها در یک ردیف قرار دهند، ولی خصیلت استثمار گرانه سرمایه داری آن قدر برای کارگران ملموس است، که هیچ یک از این ظاهر سازی ها، آنها را فریب نخواهد داد .

یکی از ویژگی های دیگر این طرح آن است، که طراحان آن خواستار تسخیر چهره ضد کارگری خود را تحت پیشتر اسلام به نمایش گذارند . بندق از ماده ۲ یکی از مهم ترین شرایط حضور شورا را چنین اعلام می کند:

" اعتماد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "

باید به آقایان طراحان تبریک گفت چون کلمات را بسیار دقیق انتخاب کرده و منظور خود را خیلی خوب بیان کرده اند . در اینجا، در واقع چهره دشمنان طبقه کارگر و مخالفان عدالت اجتماعی افشا می شود . با این جمله بنسبتی در حقیقت قانون اساسی در سایه قرار می گیرد و تلویحاً نفی می گردد .

مگر نه این است، که مردم ما انقلاب کردند تا نظام پوسیده شاهنشاهی را طرد کنند و نظام نوی بسازند ؟ مگر نه این است، که برای ساختن این نظام نو، بسک قانون اساسی تدوین شده که به تأیید اکثریت مردم رسید و همه مردم خواهان اجرای اصول مردمی و روح مترقی آن شدند ؟ مگر نه این است، که این قانون اساسی توسط " خیرگان مسلمان " تهیه شد و به تأیید " ولایت فقیه " نیز رسید ؟ بله تمام این ها واقعیت است، ولی یک واقعیت دیگر نیز وجود دارد و آن اینست، که با تسلط خط سرمایه داری در حکومت، دیگر این حکومت نه می خواهد و نه می تواند اصول مترقی و روح مردمی قانون اساسی را پیاده کند . بنا بر این آقایان دیگر خود را عقید و ملزم به رعایت اصول مترقی قانون اساسی ج ۱۰ نمی بینند، چون خودشان آن را بارها و بارها نقض کرده اند . پس طبیعی است شوراها می مورد نظر این آقایان نیز نباید مجبور به التزام عملی به قانون اساسی باشه هنگامی که مجلس شورای اسلامی با تمهیب این طرح، قانون اساسی را چند بار نقض می کند، نمی تواند خواهان شوراها را مجری قانون اساسی باشد .

ولی تمام این کارها به نام " اسلام " می شود . این کدام " اسلامی است، که باید به آن عمل کرد ولی مجبور به اجرای قانون اساسی نبود . این همان " اسلامی " است، که از همان ابتدا مخالف اصول مترقی و روح مردمی قانون اساسی بود . " اسلامی " که از همان ابتدا مخالف کارگران و مخالف شوراها بود . اسلام سرمایه داران، اسلام شریعت داری، اسلام انجمن حجتیه . . . .

کارگران آگاه می دانند، که آنچه همه کارگران را دور هم جمع می کند، منافع طبقاتی آنها است . درد و رنج روزمره آنها است که آنها را به هم نزدیک و متحد می کند . نه عامل نژاد، نه عامل قومیت، نه عامل زبان، نه عامل مذهب، هیچ یک

کشور برای کارگران و کارمندان پیاده می کند . با کمی بحث روی مواد مختلف این طرح، نیات واقعی ضد کارگری تدوین کنندگان طرح تشکیل ۳۰۰۰ همانطور که در شماره ۶۹ " راه تنوید " نیز بررسی شد، شکار می شود .

مطابق تبصره ۱ و ۲ ماده ۱ کارکنان موسسه تولیدی یا خدماتی نمایندگان خود را انتخاب می کنند . طبق تبصره ۳ ماده ۹ کلیه کارکنان موظف به پرداخت حق عضویت هستند . وظایف و اختیارات نمایندگان کارکنان موسسه در مواد ۱۳ ، ۱۶ و ۲۰ آمده است که مهم ترین آنها بدین قرارند:

— بررسی شکایات کارکنان در مورد نارساییهای واحد تولیدی یا خدماتی و پی گیری .

— تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد .

— بررسی و شناخت کمبودها و نارساییهای واحد و ارائه اطلاعات به مدیر .

— اظهار نظر در مورد ساعات شروع و پایان کار و استراحت و . . . . موعدها و محل کارکنان، تدوین ضوابط استفاده از خانه های سازمانی واحد و . . . .

واضح است که تمامی موارد فوق در چارچوب وظایف و اختیارات یک انجمن صنفی می گنجد . پس تا اینجا چیز تازه ای وجود ندارد . ولی از گنجاندن این موارد در این " طرح شورا " روشن می شود، که هدف قانون گزار ایجاد یک تشکل صنفی، ولی از نوع دولتی، بوده است .

ویژگی شورائی این طرح به همین جا ختم نمی شود . قانون گزار که خود را بسیار رند و کارگران و زحمتکشان را بسیار هالو فرض می کند، در عین حال که می خواهد همان " شورای حل اختلاف " زمان شاه را حفظ کند، آن را در چارچوب نظام شورائی مطرح می کند با ظاهری دمکراتیک . ظاهر امر این طور است:

نمایندگان کارکنان هر واحد در شورای آن واحد حضور دارند، نمایندگان شورای واحد ها در شورای منطقه و نمایندگان شوراهای مناطق در شورای عالی اسلامی کار . ولی واقعیت چیز دیگری است . یک نکته اساسی در این طرح، به سه بعد، فراموش شده و آن وجود تشکیلات صنفی منطقه ای و سراسری برای کارگران و دیگر زحمتکشان است .

از در این جا بر خورد و گانه حکومت ج ۱۰ با زحمتکشان و سرمایه داران آشکار می شود . کارفرمایان و سرمایه داران نمایندگان خود را از طریق تشکل های صنفی نمود مانند اتاق بازرگانی، انجمن مدیران و غیره به شورای مناطق و شورای عالی می فرستند . ولی کارگران و زحمتکشان از چنین حقی محروم اند . آنها از یک طرف از ایجاد آزادانه تشکل های صنفی منطقه ای و سراسری خود محروم اند و از طرف دیگر حتی حکومت نیز از ایجاد تشکل های دولتی منطقه ای و سراسری رای کارگران و زحمتکشان آبا می کند . با این کار در حقیقت آقایان خواستار تسخیر انتخاب نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان در این شوراهای محلی و اختلاف شوند .

رای روشن شدن مطلب مثالی می زنیم:

فرض کنیم در یک منطقه ۳۰ واحد کار وجود داشته باشد . طبیعی است چون این مناطق تنها محدوده جغرافیایی دارند، در بر گیرنده رشته های مختلف از باشند . یعنی در این ۳۰ واحد هم می تواند واحد شیمیایی باشد، هم غذایی ، هم ساختمانی ، هم نساجی و غیره . بنا بر این از بین حدود ۱۰۰ نفر اعضای شورا های این واحدها، باید ۳ نفر جهت شرکت در شورای منطقه انتخاب شوند .

سلمان معیار هر انتخاب واقعی، شناخت کافی است . برای شناخت کافی، تماس های مشترک و دائمی و بلند مدت بین کارگران و زحمتکشان و نمایندگان آنها لازم است . آیا چنین امکانی در این طرح پیش بینی شده است ؟ اصلاً و ابداً . تجربه مبارزات ۴۰ ساله اخیر کارگران و زحمتکشان نشان داده است، که سه

نق گرفتاری است و هیچ آدم خیری، با هر ادعا و مقامی، مادام که خود کارگران

# فراخوان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در خارج از کشور

## زندانیان میهن دوست را از خطر اعدام برهانیم!

طبق اطلاعیه دادستانی دادگاههای انقلاب ارتش ج ۱۰، امروز پانزدهم آذر، محاکمه اعضای حزب توده ایران و دیگر میهن پرستان، در دادگاههای نظامی آغاز شده است.

پس از گذشت ۱۱ ماه از شروع موج دستگیری فداکارترین فرزندان این آب و خاک، اینک زمان و مردانی که زندگی خود را وقف مبارزه در راه بهروری زحمتکشان و استقلال میهن نمود هاند، بدون برخورداری از ابتدائیترین حقوق مسلم زندانیان، از جمله حق ملاقات با خانوادهها - یشان و داشتن وکیل مدافع - و بعد از تحمل انواع شکنجههای طاقت فرسای جسمی و روحی، به دستور سردمداران ج ۱۰ باید محاکمه شوند و به کیفر برسند.

حاکمیت ارتجاعی ایران، مدتهاست که زمینه قتل عام این میهن دوستان را تدارک می بینند و اظهارات لاجوردی، دادستان تهران، مبنی بر اینکه " این ها کافرند و بنا بر این قابل دفاع نیستند! " و نیز گفته ها و مندرجات رسانه های گروهی، همه و همه، بر این امر دلالت می کند.

گزارش خبرنگار " ساندی تایمز " حاکی از آن است، که اعدام ها، تحت پوشش خودکشی آغاز شده است. دست درخیزان ج ۱۰، تا کنون به خون بسیاری از زندانیان آلوده شده، بدون اینکه محاکمهای انجام گیرد.

ماههاست، که کلیه محافل دموکراتیک در سراسر جهان، صدای اعتراضی خود را علیه این قانون شکنی ها و اعمال ضد بشری حاکمیت ج ۱۰ بلند کرده اند و از جمله خواستهای عاجل آنان، اعزام هیأت های بین المللی، مرکب از پزشکان و حقوق دانان بی طرف به ایران، جهت ملاقات با زندانیان و بررسی شرایط آنها از نزدیک بوده است، که تا کنون هیچ یک از نمایندگی های ج ۱۰ در خارج از کشور، بدان پاسخ مثبتی نداد هاند.

اکنون، با آغاز دادگاه ها، خطی جدی جان آزادی - خواهانی را، که به جرم دفاع از حق و عدالت، این چنین زجر و شکنجه های حیوانی را متحمل شده اند، تهدید می کند.

پانزدهم آذر، آغاز مرحله ای نوین در سرکوب

خونین نیروهای وفادار به خلق و مدافعین راستین استقلال و آزادی ایران است.

یکپارچه و متحد، بر علیه تکوین این توطئه شوم بپاخیزیم و جلوی صدور احکام فرمایشی از پیش ساخته را بگیریم!

ما با رجوع به افکار عمومی مترقی بین المللی، نهاد ها و سازمان های دموکراتیک، می طلیم، با توجه به این امر که آغاز محاکمه، صدور حکم و اعدام برق آسا - طبق رویه دستگاه قضائی ایران - در فاصله زمانی کوتاهی به وقوع پیوندد، بر خواستهای زیر پافشاری نمایند:

۱- محاکمات در دادگاه های عادی انجام پذیرد.

۲- شرکت ناظرین بین المللی در دادگاه ها تضمین گردد.

۳- کلیه زندانیان سیاسی مترقی آزاد گردند.

پانزدهم آذر ۱۳۶۲

ششم دسامبر ۱۹۸۳

## مسخ محتوای طبقاتی تشکل

بقیه از صفحه ۹

نبايد و نمی تواند بین کارگران تفرقه ایجاد کند. تفرقه کارگران تحت هر عنوان و به هر نامی، موجب خوشحالی سرمایه دارن می شود. همان سرمایه داری که حق دارد در مجمع عمومی کارکنان واحد بنشیند و بسیار خوشحال می شود، که صداهای از نمایندگان واقعی کارگران نتوانند به پهنانه عدم رعایت او به موی رساله، به شورا راه یابند.

یکی از نکاتی که در این طرح جلب توجه می کند تفرقه ماده ۱۵، در مورد مجمع های بزرگ صنعتی است. آیا فکر نمی کنید که حکومت خواسته است بسا این تفرقه دست خود را در سرکوب علی شوراها در این واحد های بزرگ بسازد؟

کارگران مجمع های بزرگ صنعتی، به دلیل نوع کار و سازماندهی کار، بیشترین آمادگی را برای تشکل دارند. هم چنین به دلیل اهمیت این صنایع در اقتصاد کشور، تشکل های کارگری در این مجمع ها، خود به خود اهمیت سیاسی نیز پیدا می کند. در ضمن حاکمیت کنونی به چشم خود شاهد بوده که کارگران این مجمع های بزرگ، به خصوص کارگران صنایع نفت، ذوب آهن، فولادسازی و ۵۰۰۰ چه نقش تعیین کننده ای در پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم مغرور شاه داشتند. از این رو است که با آنها با احتیاط رفتار می کنند. هم از تشکل آنها می ترسند و هم جرات آن را ندارند که طنا جلوی تشکل شان را بگیرند. به همین دلیل وسوسه سرخرمن می دهند. کارگران و زحمتکشان صنایع نفت، تجارب مبارزاتی ۶۰ ساله دارند. آنها در اوج سرکوب رضاخانی دست به اعتصاب زدند و اتحاد بهای مخفی خود را تشکیل دادند. آنها زیر فشار مستقیم انگلیسی ها ده ها سال برای حق آب یخ و نیازهای اولیه زندگیشان مبارزه کردند. آنها علیرغم تمام این فشارها در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ با خون خود حماسه آفریدند و حق خود را گرفتند. مسلما ایسن کارگران مبارز قریب توطئه های امپریالیسم و ارتجاع را نخواهند خورد و مقام واقعی خود را در جنبش مردم ایران خواهند یافت.

کارگران نفت به خوبی به یاد دارند که در سال های ۱۳۲۰، امپریالیسم انگلیس و حکومت دست نشانده اش در ایران، به پهنانه جنگ، کارگران را از ایجاد تشکل های صنفی باز می داشتند. کارگران در آن هنگام می دانستند که تشکل های صنفی شان نه تنها لطمه ای به جنگ نخواهد زد، بلکه به حل صحیح آن کمک می رساند. آیا این عجیب نیست، که امروزه نیز حکومت ج ۱۰، کارگران را به پهنانه جنگ و بسنه

پهنانهایی نظیر آن از ایجاد تشکل های صنفی باز می دارد؟ آیا کارگرانی که ۴۰ سال پیش فریب این حرف ها را نخوردند، امروزه فریب می خورند؟

تجربه کارگران پس از انقلاب در مجمع های صنفی نیزه حاکی از دستاورد های بزرگ تشکل های کارگری در این مجمع ها است. این شوراها مستقل کارگران صنایع نفت بودند، که توانستند چه در طول انقلاب و چه بعد از آن صنعت نفت را اداره کنند. همین شوراها در اوائل جنگ تحمیلی توانستند زیر باران توپ و خمپاره تولید نفت را ادامه داده و حفظ کنند. شورای صنعت حفاری موفق شد صنعت حفاری را، که تا پیش از انقلاب تحت سلطه امپریالیسم آمریکا و اسرائیل قرار داشت ملی کرده و با بیش از ۵۰۰۰ کارگر و کارمند برای اولین بار، صنعت قرار را در ایران مستقلا اداره کند. شورای صنایع فولاد خوزستان، کارخانجات رضائی وابسته را ملی کرد، کنترل تولید را به دست گرفت، مانع فروش محصولات به واسطه ها گردید. همانطور که شورا ایسی برای حمل و نقل محصولات به نقاط مختلف کشور ایجاد کرد، در اوج جنگ کارخانه را به راه انداخت و هنگامی که کفر را در خطر دیده، کارگران را مسلح کرده نفوذ دشمنان را سد کرد. شورای کنت و صنعت های خصوصی خوزستان پس از انقلاب، اداره این موسسه عظیم را به مهده گرفت و تا آنجا که در قدرت داشت در مقابل قطعه قطعه شدن آن مقاومت کرد. همه این تجارب نشان می دهد که تشکل های کارگران در مجمع های بزرگ، قادرند دست به کارهای عظیمی بزنند و در عمل حقانیت خود را به اثبات برسانند. آیا کسانی که راهگشای نفوذ مجدد امپریالیسم در کشور ما هستند از همین می ترسند؟

اهمیت دیگر تشکل های صنفی کارگران در این مجمع ها، اطلاع کارگران و زحمتکشان از زبند های پشت پرده است. کارگران می خواهند و باید بدانند که ادعاهای حکومت در مورد نحوه و قیمت فروش نفت تا چه حد با واقعیت منطبق است. کارگران می خواهند و باید بدانند که ادعاهای حکومت در مورد عدم فروش گاز تا چه حد درست است. کارگران می خواهند و باید بدانند، که در قرارداد هایی که با انحصارات زاپنی در مورد مجمع پتروشیمی امضا شده، تا چه حد میزان صالح مردم ایران رعایت گردیده است. کارگران می خواهند و باید بدانند، که چه دست هایی می خواهند ذوب آهن اصفهان را محدود کنند و مجمع مبارکه را که به صورت نمایشگاه ماشین آلات فریبی در آمده، جایگزین آن سازند. کارگسزان بسیاری از این قبیل چیزها را می خواهند و باید بدانند. اگر آنها به این حقایق دست یابند، آیا حکومت باز می تواند آنها را بفریبد؟ حتما نه. به همین دلیل، آقایان از اجرای همین طرح ضد کارگری شوراها نیز در مجمع هسناسی بزرگ هراسانند.

## در تظاهرات گسترده "کمیته دفاع از انقلاب ایران" اعلام شد: "دادگاه‌ها بدون حضور نمایندگان و وکلای بین‌المللی هیچ ارزش قانونی ندارد."

به دنبال دریافت خبر مربوط به تشکیل دادگاه تودهایها، جنبش دمکراتیک و مترقی بریتانیا، اعتراض خود را علیه این جنایات تشدید کرده است. "کمیته دفاع از انقلاب ایران" از روز پنجشنبه ۸ دسامبر (۱۷ آذر) به ابتکارانی در این زمینه دست زد و این هفته را به نام "هفته همبستگی با مردم ایران در بریتانیا" اعلام

اتحادیه "دانشجویان در بریتانیا"، رؤسای اتحادیه های دانشجویی در شش دانشگاه پلی تکنیک و پیش از ۱۸ استاد از دانشگاه های بیرمنگام، لستر، ساندلند و شمال بریتانیا، انجمن دانشجویان و اتحادیه زنان عراق، جوانان حزب کمونیست یونان، سازمان دانشجویی مترقی قبرس، سازمان سودانی های مترقی،



نمود

لرد سافر بروکسبی، از پیشاتازان جنبش صلح بریتانیا. و از بنیانگذاران جنبش غیر متعهد هسا، سازمان "استقلال" (که بیش از صد نماینده از پارلمان و رهبران اتحادیه های کارگری، عضو آن هستند)، نمایندگان پارلمان بریتانیا، مرکب از خانم جون می نارد، جودیت هارت و آقاییان ریشارد کیبرون، کلابوسولی، افتان اورم، توم کلارک، دوگلاس توپیل، باب کلی، هری کاون، روبرت کیت، ران برون و گوین شریچ نمایندگان پارلمان اروپا نام مک گاهی و اف لوماس، همراه با کن کیونگستون رهبر شوراهای محلی لندن، دبیران کل اتحادیه های کارگران فلزکار، کارمندان دولت، شوراهای کارگری اسکاتلند، رهبر معدنچیان فلز، رهبر معدنچیان اسکاتلند و نیز حزب کمونیست بریتانیا و ۱۶ شعبه این حزب سراسر بریتانیا، ده شورای متحد، کارگری، نمایندگان و منشیان بیش از ۱۸ اتحادیه کارگری، شعب حزب کارگر، شعب جنبش صلح، رابین موریسون، شخصیت مذهبی، اعضای رهبری جنبش دانشجویی و

سازمان دانشجویان هوادار فدائیان خلق ایران (اکثریت)، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، یک صدا، به موج وحشیگری، شکنجه و پایمال نمودن حقیق دمکراتیک و انسانی زندانیان تودهای و سایر زندانیان سیاسی مترقی، اعتراض نمودند. در چهار چوب فعالیت های این هفته، روزهای پنجشنبه ۸ و جمعه ۹ دسامبر (۱۷ و ۱۸ آذر ماه)، نمایندگان جنبش های مترقی بریتانیا، با شعارهای "آزادی زندانیان سیاسی ایران"، "به شکنجه و آزار تودهای های در بند پایان دهید!" "تشکیل دادگاه های نظامی برای تودهایها محکوم است" "دادگاه بدون حضور نمایندگان وکلای بین المللی، هیچ گونه ارزش قانونی ندارد" و "زندگی بیاد همبستگی بین المللی با زندانیان تودهای!" در مقابل سفارت ج ۱۰۱۰ حضور بهرسانیده و اعتراض شد بدخود را نسبت به اعمال جنایتکارانه حاکمیت ایران، اعلام نمودند.

## احکام از پیش صادر شده

بقیه از صفحه ۵

کمونیست یونان • سازمان جوانان کمونیست یونان • گروه ویکتورخارا • نمایندگی حزب کمونیست السالوادور در اسکاندیناوی • سازمان زنان کرد • انجمن دوستی نیکاراگوئه - سوئد • کمیته صلح سوئد • سازمان حزب توده ایران در سوئد • هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) • همچنین کمی تلگرام فوق به سفارت ج ۱۰۱۰ در سوئد ارسال شده است.

## اعتصاب غذای اعتراضی هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد

در تاریخ ۶ دسامبر (۱۵ آذر) عده ای از هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد، به منظور اعتراض به برگزاری دادگاه نظامی علیه تودهایها، در میدان مرکزی شهر استکهلم، دست به اعتصاب غذا زدند. این اقدام اعتراضی، مدت چهار روز به طول انجامید. طی این مدت هزاران اعلامیه در افشای ماهیت دادگاهها پخش گردید و صد ها نفر از اهالی شهر، با اعتصاب کنندگان، اعلام همبستگی کرده اعتراضیه "کمیته دفاع" را مبنی بر مردود دانستن دادگاه نظامی علیه تودهایها و مطرح کردن خواست برگسزاری محاکمات به شکل علنی و با حضور ناظرین بین المللی، محکوم نمودن اعمال غیر انسانی شکنجه و تحقیر دگر اندیشان و خواست آزادی زندانیان سیاسی مترقی و ضدامپریالیست را امضا نمودند.

در میان امضا کنندگان، اسامی شخصیت های برجسته و سرشناس سوئدی، از جمله پیر اریکسون مسئول کمیته صلح استکهلم، دکتر جان تاکمن عضو کمیته مرکزی، رنه ترسون، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، میکائیل هولیل، وکیل دادگستری و دهها تن دیگر به چشم می خورد.

جریان تحمسن و اعتصاب غذای مذکور در روزنامه های مترقی این کشور منعکس گردیده است.

حزب چپ کمونیستهای سوئد، طی نامه ای با امضای لارس ورنر نماینده مجلس و دبیر اول این حزب، که به سفارت ج ۱۰۱۰ ارسال گردیده، از جمله می نویسد:

"حزب ما، به نمایشاتی که برای محاکمه تودهای های در بند، در بیدادگاه نظامی به روی صحنه می آید، شدیدا اعتراض دارد و خواستار اجرای اصول قانون اساسی، از جمله حق بسر خورداری از وکیل مدافع در محاکمات است. حزب ما به تجاوزات حقوقی که هواداران حزب توده ایران، مجاهدین خلق و سایر نیروهای دگر اندیش را هدف قرار داده است، اعتراض می کند و خواهان آزادی کلیه بازداشت شدگان و پایان دادن به دادگاههای نمایشی است."

# در هفته ای که گذشت:

## افزایش بهای نفت - اسلحه - جنگ

در روزهای گذشته ۶۹ - مین کنفرانس وزیران نفت کشورهای اوپک به پایان رسید و قیمت نفت برای هر بشکه ۲۹ دلار تثبیت شد .

سردمداران چ ۰۱۰۰ که به همه چیز به جز منافع مردم زحمتکش ما می اندیشند، در ایسین کنفرانس نیز کوشیدند تا سیاست های جنگ - طلبانه و شوونیستی خود را با تظاهر به بالا بردن قیمت نفت پنهان سازند . در واقع انسان در بیوق و کرنا دیدند که قیمت نفت را بالا ببرند، تا شاید بتوانند از این راه گناه ویل هزینه های جنگی را بپوشانند .

اینکه مردم ما شاهد ند که پس از گذشت ۵ سال از انقلابشان به رغم وعده های پر زرق و برق سردمداران چ ۰۱۰ مینی بر عدم وابستگی ، نفت همچنان یگانه منبع درآمد ارزی دولت است . درآمد حاصل از نفت ۲۰۰۱ میلیارد ریال در بودجه سال ۶۳ پیش بینی شده است که به تنهایی نزدیک به ۹۰٪ از بودجه دولت را تشکیل می دهد .

با نگاهی کوتاه به سهم بودجه نظامی از بودجه کل کشور که یک سوم آن را تشکیل می دهد - و این تنها نمودار ظاهری آن است - به راحتی می توان دریافت که فروش نفت و پسا - فشاری ج ۰۱۰ بر افزایش بهای آن بر چه پایه ای استوار است .

سردمداران چ ۰۱۰ ، در حالی از فروش نفت به بهای ۳۴ دلار در هر بشکه سخن می رانند که خود مدتهاست قیمت رسمی ۲۹ دلاری اوپک را نقض کرده اند و این طلای سیاه را به قیمت ۲۵ دلار در بازار جهانی می فروشند و از محل درآمد آن با کشورهای امپریالیستی معاملات کلان اسلحه انجام می دهند تا در پرتو برکات جنگ "انقلابشان" را صادر کنند .

به طوریکه روز نامه دی تسایت ، چاپ آلمان فدرال چندی پیش خبر داد ، هواپیمای آمریکائی وایل تایجست ، از فرودگاه کنده کنده نیویورک به پرواز درآمد و مستقیماً در فرودگاه تهران به زمین نشست تا اسلحه های خریداری شده را تحویل مقامات ایرانی دهد .

در چنین شرایطی سردمداران چ ۰۱۰ اعلام می کنند ، که اگر کشورهای اسلامی ۱۰ روز جلوی نفت خود را بگیرند ، دنیا تسلیم آنها خواهد شد ! سردمداران چ ۰۱۰ با این تهدیدهای تو خالی برای این پرشش منطقی پاسخ ندارند که اگر نفت و بودجه حاصل از آن قطع شود ، آنان هزینه های این جنگ توسعه طلبانه را چگونه تأمین می کنند ؟!

واقعیت آنست که سردمداران چ ۰۱۰ ، نه به خاطر تأمین خواست ها و نیازهای مردم زحمتکش و محروم ما ، که زیر بار شرایط دشوار بحرانی

اقتصادی ، گرانی ، بی کاری ، احتکار و بی سرپناهی در رنج اند ، بلکه به خاطر اعمال و ادا مه سیاست های ضد مردمی و جنگ طلبانه خود است که بر امر افزایش قیمت نفت پافشاری می کند !

## نامزدهای مردود ،

### بر مسند وزارت تکیه می زند!

نخست وزیر چ ۰۱۰ ، اخیراً عباسعلی زالی را به عنوان وزیر کشاورزی به مجلس شورا معرفی نمود . این معرفی با ۱۰۷ رأی موافق مسورد تأیید نمایندگان قرار گرفت . نامزد قبلی نخست وزیر برای این مقام ، از طرف نمایندگان مجلس رد شده بود .

چهارمین وزیر کشاورزی پس از انقلاب ، زمانسی این مسئولیت خطیر را به عهده می گیرد که کشاورزی ایران یکی از بحرانی ترین ادوار را طی می کند : قانون اصلاحات ارضی همچنان در توقیف مدافعان بزرگ مالکان است و روند مسخ انقلاب ، و بازگشت فئودال ها و سرمایه داران فراری با همکاری مقامات قضایی و انتظامی و پاسداران پسا تهدید ارباب و زندان روستائیان به رغم مقاومت همه جانبه دهقانان ، پیش برده می شود . و بحران در عرصه کشاورزی به کاهش بی سابقه تولید محصولات کشاورزی انجامیده است .

وزیر جدیدی که باید با تمام این دشواری های ریشه ای مقابله کند ، "چهره" ناآشنائی نیست ! عباسعلی زالی یک بار دیگر ، در زمان کابینه رجائی به همراه حسن آخوندی نامزد احراز این مقام شده بود - حسن آخوندی همان کسی است ، که کارنامه درخشان ! وی در زدی ها و سو استفاده از امکانات دولتی در جریان استیضاح ناطق نوری ، وزیر کشور ، افشا گردید - نامزدی زالی ، در آن زمان به علت فقدان سوابق مبارزاتی او و اتخاذ مواضع محافظه کارانه رد شد . او در طول این چهار سال ، به عنوان قائم مقام وزیر کشاورزی ، در عین حال پست های معاونت پارلمانی و برنامه ریزی را نیز به عهده داشت و نقش عمده ای در تعدیل !! اقدامات و نظرات مترقی پیرامون مسائل دهقانی و کشاورزی به سود بزرگ زمین داران و سرمایه داران ایفا می کرد .

وزیر جدید کشاورزی چ ۰۱۰ ، بارها به بهانه "جلوگیری از خرد شدن زمین های زراعی و کاهش سطح تولید ، با اصلاحات ارضی بنیادی مخالفت کرده است و یکی از طرفداران ثابت قدم سرمایه گذاری بخش خصوصی در امر کشاورزی و دامپروری و ایجاد شرایط لازم برای امنیت این سرمایه - گذاری هاست . برای او که تحصیلات خود را در آمریکا به پایان رسانده و یکی از اعضای موثر حزب چ ۰۱۰ است آنچه که نگران کننده است ، نه زندگی سراسر رنج و محرومیت میلیونها دهقان زحمتکش ایران ، بلکه احساس عدم امنیت زمین - داران بزرگ است .

بدون شک انتصاب وزیر جدید یکی دیگر از مراحل تدارکاتی "ذبح غری" نهایی قانون اصلاحات ارضی و گامی نوین در روند مسخ انقلاب است .

## روز عزا؟!!

آغاز محاکمات فرمایشی و غیر قانونی افسران میهن دوست و توده های دیندار ، در بنیدادگاه های نظامی ، "روزهای خوش و خاطره انگیزی" برای امپریالیست ها و اعوان و انصارشان بهارمخان آورده است .

این جانوران انسان نما ، که عطش خود را با خون زحمتکشان جهان فرو می نشاندند و يك لحظه از زندگی انگل وار خویش را بدون ارتکاب جنایت های موحش نگذراند ، آینه اند ، اینک در انتظار هدیه خونینی ، که سردمداران چ ۰۱۰ ، به مناسبت آغاز سال نوی مسیحی برایشان تدارک دیده ، لحظه شماری می کنند .

اکنون دیگر "شادی زاید الوصف" سران ۷ کشور صنعتی که در ویلیامزبورگ گرد آمده بود ندازد . یورش به حزب توده ، ایران زیانزد خاص و عام است . همه خبرگزاری ها ، پس از حمله "سبحانه" به حزب توده ، ایران ، خبر "کف سائی سرواژه" ریگان را به سراسر جهان مخابره کردند و جمله "تجدید آمیز و سیاست گزارانه او ، به شاه بیت تلکس های رسانه های گروهی دنیا بدل شد :

"رزم خمینی (با سرکوب حزب توده) ایران کاری کرد که شاه هم نتوانسته بود . . . !" برداشت ها و داورای های تأیید آمیز ، تشویق کننده و تحریک آمیز سران کشورهای امپریالیستی در این زمینه ، بی شک نشانه هم سوئی سیاست روز سردمداران چ ۰۱۰ ، با سیاست ضد بشری امپریالیست هاست . خبرگزاری یو - پی - آی - (یونایتد پرس) از فعال ترین بلندگوهای انحصارات غارتگر امپریالیسم آمریکا ، اخیراً ضمن تحلیل از تشکیل این "محاکم" ، مقامات چ ۰۱۰ را فرا می خواند ، که چون "این حزب طی دوران موجود پیش یا دولت های گوناگون ایران (از جمله دولت های قوام و رزم آرا و اقبال و هویدا و آموزگار و ازهاری . . .) مبارزه می کرده ، باید به شدیدترین وجه مجازات شود ."

تعریف و تجید و تشویق امپریالیست ها ، که از کینه های دیر پا نسبت به حزب توده ، ایران ، حزیی که به شهادت دوست و دشمن همواره علیه ظلم و بردگی و اختناق رزمیده ، گواه روشنگری است ، که امروزه به سنگ محک ارزیابی گفتارها و وادعاهای سران چ ۰۱۰ بدل شده است . حتی بلندگوهای امپریالیستی و اربابان آنان و نیز حاکمیت ضد مردمی و ضد بشری چ ۰۱۰ هم می دانند ، که هیچ عقل سلیمی ، اتهام "خیانت" و "جاسوسی" توده های ما ، را باور ندارد . از همین روست که خبرگزاری یونایتد پرس ، "جرم" توده های ما را مبارزه با "دولت های گوناگون ایران" ثبت می کند .

بجاست در کنار این تعریف و تمجید ها ، این نکته را هم اضافه کنیم که آیت الله خمینی در "سخنان" ۱۹ آذر خود گفته است :

"ان روز که آمریکا از ما تعریف کند ، آن روز بقیه در صفحه ۱۳



# دست خائنین به انقلاب از جان پیگیرترین مدافعان آن کوتاه باد!

بقیه از صفحه ۱

وجدان میهن دوستانه خود، در صنف انقلاب ایستاده و جان بازانه در راه دفاع از آرمان های انقلاب کوشید هاند، به محاکمه به اصطلاح انقلابی کشیده شده اند .

محاکمه شوندگان ، ماهها زیر شدیدترین شکنجه های تاریخ بشری قرار داشته اند و محاکمه کنندگان ، که اکنون کسوت " قاضی " به تن کرده اند، دروخیمانی هستند که در سلاح خانه های اوین ، کمیته مشترک و بافستان کرج ، دور از چشم مردم آنچه که توانستند و ماوریت داشتند بر سر قربانیان خود آورد هاند .

با همین شکنجه ها ، که بدون تردید کارشناسان " سیا " ، " اینتلیجنت سرویس " و " سیا " نقش مشاور و هدایت کننده را در اجرای آن داشته اند ، محاکمه شوندگان امروزه و به اصطلاح اقرار کنندگان دیروز در سیمسای ج ۱۰ - مسخ شده و شخصیت اصلی خویش را از دست داده اند . از همین روست ، که " قضات "

ج ۱۰ ، نمایش جدیدی را - که با خون و زجر در شکنجه گاهها ترتیب داده شده - تحت عنوان " محاکمه علنی " آغاز کرده اند .

بی تردید پریائی این گونه نمایشات ، آخرین پرده های نمایشنامه غم انگیزی است ، که امپریا - لیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار برای مسخ کامل انقلاب شکوهمند مردم ایران تنظیم کرده است . نمایشنامه ای که پیش پسرده آن را " برزیسکی " مشاور ویژه کاخ سفید در سال ۵۹ تهیه کرده بود . بر اساس همین پیش پرده می - بایست روابط ایران و اتحاد شوروی تا قطع پستیانی جهانی اتحاد شوروی از انقلاب ایران تیره شود ، مدافعین انقلاب در داخل کشور سر - کوب شوند و عرصه برای به قدرت رسیدن کامل سازشکاران با امپریالیسم و طرفداران نظام سرمایه داری خالی گردد .

آیا آنچه که در این دو سال بر انقلاب مردم ایران گذشته از اجرای تمام و کمال این رهنمود

حکایت نمی کند ؟

مجریان نقشه های اساسی این نمایشنامه که در شکنجه و قتل هزاران توده های در بند و محاکمه تعدادی از افسران میهن دوست داشت دارند ، خود مجرمانی هستند ، که باید در دادگاه خلق به اتهام خیانت به مردم و آرمان های انقلاب ، بر صندلی محکومان بنشینند .

حزب توده ایران در این لحظات تاریخی - همانطور که در اعلامیه کمیته مرکزی مورخ ۱۶/۹/۶۲ نیز تصریح کرده - محاکمه تعدادی از افسران وطن پرست ایران و شکنجه و قتل و اعدام پنهانی توده های در بند را ، تنها یورش بربرمنشانه که حزب ما را نشانه گرفته از زبانی نمی کند ، بلکه آن را حمله ای گرگ وار به انقلاب مردم ایران نیز به حساب می آورد .

این واقعیتی است که قلم " قضات " این بیدادگاه های نظامی ، به خون پاک مدافعان انقلاب و شیفتگان استقلال ایران آغشته است و از این رو ، همان گونه که در اعلامیه فوق الذکر کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است ، ما نیز بر - پائی چنین " دادگاه های " را محکوم می کنیم و آنها را با تمام موازین بین المللی و حتی اصول قانون اساسی ج ۱۰ - مغایر می دانیم .

این خواست مبرم و تأخیر ناپذیر همه احزاب ، جمعیت ها و محافل مترقی و دموکراتیک جهان است که باید درهای شکنجه گاه های ج ۱۰ ، به روی هیأت های جهانی ، متشکل از حقوق دانان و پزشکان بی طرف بین المللی ، باز شود ، تا حقیقت بر همگان آشکار گردد . تنها در این صورت است که آنچه شکنجه شدگان و محاکمه شوندگان - هم در سیمسای ج ۱۰ - و هم در " محاکمات " به اصطلاح علنی بیان داشته - اعتبار در خود را به دست خواهد آورد . اکنون دیگر همه جهانیان بر این داوری خدشه ناپذیر مهرتأیید کوییده اند که این گونه اظهارات دیکته شده در شکنجه گاه ها ، ذره ای اصالت ، قانونیت و اعتباری ندارد .

همان گونه که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز آمده است ، اعتراض فعال آزاداندیشان جهان ، مراجع بین المللی ، احزاب و سازمان های مدافع حق و عدالت ، به هر شکل ممکن - می تواند از اعدام افسران میهن دوستی ، که محاکمه می شوند و قتل و اعدام توده های در بند ، که تنها جرمشان دفاع از انقلاب و آرمان های آنست ، جلوگیری کند .

حزب توده ایران هم چنین از اعضا و هواداران خود در داخل و خارج کشور می طلبد ، که به هر وسیله ممکن این توطئه ننگین را افشا و گردانندگان این صحنه سازی را رسوا کنند .

## در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

عزای ماست !

باید گفت که دیربست که این روزها آغاز شده است !

## "دوست" مشترکی به نام آمریکا!

" کشور دوست و برادر " حاکمیت ج ۱۰ ، ترکیه در جهت خدمت به ارباب بزرگش ، آمریکا و اجرای سیاست های او در منطقه ، گام دیگری برداشت و " در حمایت از نیروهای چند ملیتی در لبنان ، به چند کشتی جنگی آمریکا اجازه استفاده از تسهیلات بندری ترکیه را " داد .

وزیر خارجه ترکیه ، ایلتر ترکمن ، در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت :

" اشکالی ندارد که ما به عنوان یک کشور در منطقه ، در صورت مقتضی تسهیلات محدود برای نیروهای چند ملیتی فراهم کنیم " ( اطلاعات ، ۸ آذر ) .

و البته اشکالی هم ندارد کسب این " تسهیلات محدود " در جهت به خاک و خون کشیدن صدها مرد و زن و کودک بی دفاع لبنانی ، سرکوب کردن نهضت مقاومت فلسطین و نابودی صدها رزمنده فلسطینی به کار گرفته شود !

وزیر خارجه ترکیه که " حفظ منافع کشورش برای ریاست جمهوری دولت او حائز اهمیت است " ، همچنین در این مصاحبه گفت :

" در این لحظه ، تنها آمریکا می تواند نقش موثری در خاورمیانه ایفا کند که اکنون در حال انجام آن است " !

وزیر خارجه ترکیه در مورد کمک های آمریکا به ترکیه گفت :

" ما انتظار داریم میزان کمک های آمریکا در سال آینده به ۷۵۵ میلیون دلار برسد . در سال جاری آمریکا ۴۶۵ میلیون دلار به ترکیه کمک کرده است " ( همانجا ) .

آقای رئیس جمهور در رابطه با خطرات احتمالی برای لوله نفت از عراق به ترکیه با صراحت یک دلال سازش با امپریالیسم اعلام کرده است که این لوله ها به خطر نخواهند افتاد ، زیرا حاکمیت ج ۱۰ منافع کشور " دوست و برادر " ترکیه را مورد تهدید قرار نمی دهد . وی تأکید می کند ، که این منافع " البته مورد تهدید قرار نخواهد گرفت " ( راه توده شماره ۶۹ ) .

اتخاذ این سیاست غیر مستقیم اجازه می دهد که " دوست کشور برادر " ، یعنی امپریالیسم متجاوز آمریکا ، که به کشتار خلق های بی شماری ، از جمله خلق لبنان و عرب فلسطین مشغول است ، به عنوان دوست ج ۱۰ و " منافع کشور برادر " ، منافع ج ۱۰ - قلداد شود . اگر اوضاع بر وفق مراد آقایان باشد ، بزودی عبارت " دوست مشترک کشورهای برادر " که همان امپریالیسم آمریکاست ، جایگزین این همه عبارت پردازیهای عوامفریانه خواهد شد .

\*

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

# آغاز "محاكمات" توده‌ای‌ها، نزدیکی بیشتر به امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

با آن روابط محکم خود را توسعه می‌دهد، وارد بازار ایران می‌شوند. شرکت ملی نفت با سیسک شرکت ترک به نام آی. ت. ام. برای نوسازی پالایشگاه آبادان تماس گرفته است. شرکت نام-برده با شرکت‌های عمده ترکیه "اونیته" و "گاس" مربوط است. این شرکت‌ها، نمایندگی ۴۴ شرکت آمریکایی از جمله شرکت م. و. کلوگ را، کسه پالایشگاه‌ها را طرح‌ریزی می‌کند و می‌سازد. عهده دارد "میدل ایست - اکتبر ۱۹۸۲". در اجرای سیاست اولویت توسعه مبادلات با کشورهای مسلمان و مستضعف جهان، خریدهای ایران از پاکستان نسبت به میزان پس‌راز انقلاب اسلامی بیش از ده برابر افزایش یافته است "مدیر کل وزارت بازرگانی - صبح آزادگان - ۵ آبان ۶۲".

هم زمان با گسترش مناسبات اقتصادی نا-برابر با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا - لیسم آمریکا، نزدیکی و هم‌سویی سیاسی ج. ۱۰ با امپریالیسم جهانی نیز افزایش می‌یابد. در این زمینه ادامه توسعه طلبانه جنگ خانمانسوز و وابستگی آفرین ایران و عراق نقش ویژه ایفا می‌کند. از همان زمانی، که به دنبال شکست نظمی همه جانبه عراق، شوونیست‌های حاکم بر ایران خواب‌تصرف کریلا و بغداد و تأمین "حکومت اسلامی دلخواه" در عراق را می‌دیدند، محافل دولتی آمریکا، آزمندی خود را نسبت به پیببود روابط با ج. ۱۰ با استفاده از شرایط ناشی از جنگ فرسایشی ایران و عراق پنهان نمی‌کردند: "نگرانی محسوس‌تر عراق این است که ارزش استراتژیک (ایران) برای ایالات متحده در منطقه خیلی بیش از نیاز عمده مناسبات آشکار و دوستانه با عراق باشد. تحلیل گران دولت معتقدند که گرچه زخم‌های به جا مانده از پشتیبانی ایالات متحده از شاه و مسأله گروگان‌ها هنوز التیام نیافته است، واشنگتن برای جلوگیری از وابستگی بازهم بیشتر ایران به شوروی‌ها باید کانال‌های نفوذ خود را باز بگذارد. یکی از مقامات رسمی وزارت خارجه می‌گوید:

"گرچه ممکن است مناسبات با ایران فرسنگ‌ها از جاده عادی دور باشد، ولی ما نمی‌خواهیم با پشتیبانی از یک طرف خاصه از آشتی‌جویی کنیم" (تایم - ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۲).

به دنبال شکست سیاست جنگی توسعه طلبانه حاکمیت و درماندگی رهبری ج. ۱۰، ارتجاع حاکم موقعیت را برای بند و بست با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مناسب می‌پندارد. روند تیره و جلب حسن نظر امریکا - لیسم جهانی، که با یورش به حزب توده ایران و شوروی ستیزی افسار گسیخته آغاز شد، به زودی به صورت کار پایه سیاسی حاکمیت ج. ۱۰ درآمد. بر

خارجه آمریکا، به ایران ارسال می‌شود. حداقل ۲۰ شرکت آمریکایی و افسوزون بر آن بسیاری از دلالات بین‌المللی اسلحه که در آمریکا فعالند این سلاح‌ها را (به ایران) عرضه می‌کند (تایم، ۳ مرداد ۶۲).

این مجله گزارش می‌دهد، که مقامات دولتی آمریکا اظهار می‌دارند که گویا توانایی آن‌را ندارند که مانع از "قاچاق" اسلحه به ایران بشوند (؟!)

اما اگر احیاء وابستگی به "شیطان بزرگ" به طور عمده به صورت غیر مستقیم و مخفیانه صورت بگیرد، رهبران ج. ۱۰ گسترش مناسبات نابرابر با امپریالیست‌های اروپایی و ژاپنی را پنهان نمی‌کنند. وزیر خارجه گفته است:

"جمهوری فدرال آلمان با بیش از ۵ میلیارد مارک دریافتی در سال، اولین طرف تجارتنی ماست. ما همین رابطه را با ژاپن یا ایتالیا ۰۰۰ داریم" (مصاحبه ولایتی با لوموند - بخرداد ۶۲).

از زمان این مصاحبه تا کنون، صادرات آلمان فدرال به ایران به رقم بی‌سابقه ۷ میلیارد مارک، که حتی در زمان رژیم سرنگون شده شاه نیز بالغ نشده بود، رسیده است. وزیر خارجه، امپریالیسم روسیه انگلستان را از قلم انداخته است:

"حجم صادرات بریتانیا به ایران در سه ماه اول سال مسیحی جاری نسبت به سه ماه اول سال گذشته سه برابر بوده است. ۰۰۰ ما در - کنندگان بریتانیایی برای کالاهای خود بازار گرم تری را در ایران پیش بینی می‌کنند. ۰۰۰ چه گفته بازرگانانی که اخیراً به ایران سفر کرده‌اند، مقامات ایرانی آماده و بسیار مشتاق آنند که تجارت با بریتانیا را ادامه دهند" (رادیو بی‌بی‌سی - ۱۴ تیر ۶۲).

"شرکت تالبوت ۰۰۰ طی ۸ سال پی‌درپی ضررهای سنگینی داشته است. تنها عامل اصلی که در تغییرات اخیر (سودآوری شرکت) نقش داشته است، صدور مجدد قطعات اتوموبیل پیکان به ایران بوده است. در معامله پیکان سالانه ۱۵۰ میلیون لیره استرلینگ به حساب شرکت تالبوت واریز می‌شود، که معادل نصف تمام تجارت سالانه شرکت است" (گاردین، ۲۴، فروردین ۶۲).

یکی از راه‌های عوام‌فریبانه احیاء وابستگی به امپریالیسم جهانی، افزایش واردات کالاهای کشورهای "اسلامی" وابسته به امپریالیسم است. کشورهای "برادر" ترکیه و پاکستان، که سریل بازگشت انحصارات امپریالیستی به میهن ما بودند، هم چنان نقش خویش را در این زمینه ایفا می‌کنند:

"۰۰۰ شرکت‌های آمریکایی هم بار دیگر به طور غیر مستقیم اساساً به وسیله ترکیه، که ایران

می‌شد، به عنوان امید بخش ترین بازار خاورمیانه یاد می‌کنند" (۲۷/اسفند ۶۱).

از آن زمان تا امروز، این بازار "امید بخش" هر روز بیش از دیروز جلوه نگاه امپریالیسم جهانی شده است. روزنامه "وال استریت ژورنال" ازگان انحصارات امپریالیستی ایالات متحده آمریکا می‌نویسد:

"طبق آمارهای رسمی که از طرف آمریکا انتشار یافته طی ۵ ماه اول سال جاری آمریکا جمعاً ۷۲۵ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده است. این رقم نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، ۴۵ میلیون دلار افزایش داشته است." (۸ ژوئیه ۸۳ - ۷ تیر ۶۲).

همین روزنامه اخیراً طی مقاله‌ای به قلم پرفسور پرلی موتر، از برقراری تماس میان امریکا و رژیم ایران ابراز رضایت کرده است. (رادیو سکو، ۲۱ آذر ۶۲).

روزنامه فرانسوی والو آکتونل گزارش می‌دهد: "ایران به طور محرمانه مذاکرات دیگری با آمریکایی‌ها کرده است. دولت تهران به تازگی به شرکت‌های ایرانی اجازه داده که صنایع آمریکا رابطه برقرار کنند و شرط آن هم اینست، که تحویل کالا باید به طور غیر مستقیم و توسط کشورهای دیگر صورت گیرد" (۲۷ تیر ۶۲).

در محافل امپریالیستی سخن از آن می‌رود، که حکام ج. ۱۰ بخش نامعلومی از نفت ایران را با تخفیف‌های کلان به انحصارات نفتی امپریالیستی می‌فروشند. یکی از کارشناسان استناد دارد ویل کالیفرنیا می‌گوید:

"مشتریان خرید نفت ایران به خاطر اختلافات سیاسی داخلی در آن کشور از معامله واهمه دارند، به همین خاطر تخفیف‌هایی که در پهای نفت ایران داده شده، برای افزایش تولید آن کشور لازم است" (دبلیو - د هرمان تایم - ۲۹ اردیبهشت ۶۲).

احیاء و ترمیم وابستگی اقتصادی به "شیطان بزرگ"، کاملاً مخفیانه و بدون چشم زحمتکشان انقلابی ایران صورت می‌گیرد. در ایران کمتر کسی می‌داند که دولت ج. ۱۰ به گزارش واشنگتن پست، تا کنون ۸۹۵/۹ میلیون دلار فرامست به شرکت‌های آمریکایی پرداخته است. به عبارت دیگر تا کنون نزدیک به دو سوم مبلغی که به دنبال آزادی جاسوسان آمریکایی در بانک‌های امپریالیستی و ذی‌عده گذارده شده بود، صرف تأمین رضایت انحصارات آمریکایی شده است. رهبران ج. ۱۰ خریدار اسلحه از انحصارات آمریکایی را "قاطعانه" تکذیب می‌کنند. مجله

تایم می‌نویسد: "بنا به اطلاعات جمع‌آوری شده توسط تایم، در سال‌ها میلیون‌ها دلار سلاح آمریکایی علی‌رغم تحریم فروش همه نوع سلاح به ایران توسط وزارت

# یادی از ۲۱ آذر:

## حل مسئله ملی در گرو پیروزی انقلاب است

۳۸ سال از جنبش دمکراتیک آذربایجان گذشت ۳۸ سال پیش، نیز هم چون امروز امپریالیسم و ارتجاع بین‌المللی، تمامی ارکان زرادخانه تبلیغاتی خود را در جهت لجن‌پراکنی ناسزاگویی، تهمت و افترا به مبارزان نهضتی بسط کار گرفته بودند که در حقیقت نقشی بی‌همتا در تاریخ مبارزات طولانی و پرافتخار مردم زحمتکش این سرزمین، علیه ستم ملی و ظلم اجتماعی، در راه آزادی و استقلال، ترقی و رفاه همگانی ایضا می‌کردند. آن روز هم مدافعان خواست‌های یسه حق خلق آذربایجان و کشور دوست و همسایه ما اتحاد شوروی، مورد کین تیزانه‌ترین حملات قرار گرفته بودند. در آن زمان حاکمیت وابسته به امپریالیسم، حاکمیت منکی به زور سر نیزه ایرانی غارت شده و عقب مانده با مردمی سرکوب شده و محروم، ایرانی نیمه مستعمره و زانده امپریالیسم که دستگاه حاکمه آن در تک و پوی ارباب یا پس‌ی دست به سوی فاشیسم دراز کرده بود، نقش ترمز کننده و رشد مستقل کشور را به عهده داشت.

از اواسط سال ۱۳۲۴ ارتجاع علیه نهضت کارگری و دمکراتیک دست به هجوم زد و حملات غدرانه خود را متوجه حزب توده ایران و شورای متحد، مرکزی نمود و باشگاه‌های حزب و شورا در تهران، مازندران و اصفهان مورد تعرض و تاراج قرار گرفت. عده کثیری از فعالین حزب توقیف شدند و تصفیه ارتجاعی ارتش آغاز گردید و عده‌ای از افسران مترقی بازداشت شدند و مطبوعات مترقی توقیف گردیدند. روزنامه آذربایجان نوشت:

"بر سر آنند که در ایران یک دولت نیرومند ارتجاعی بوجود آوردند و زمام آن را به دست سیاستمداران لندن سپارند، می‌کوشند رضا خان جدید و هیترلی برای ایران به وجود آورند، مردم آذربایجان نمی‌تواند به این ماجرا هوسا با خونسردی بنگرد."

در چنین شرایطی بود که فرقه دمکرات

آذربایجان در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ به رهبری و شرکت فعال عده‌ای از پیش‌کسوتان و فعالان نهضت کارگری و کمونیستی و نیروهای ضد استبدادی و ضد استعماری تأسیس گردید. در پیام مشهور ۱۲ شهریور اعلام گردید که خلشق آذربایجان مصمم است "در داخل ایران و به شرط حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران اداره امور داخلی خود را به دست خود گیرد".

در ۱۶ شهریور سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان هدف‌های پیام ۱۲ شهریور را مورد تأیید قرارداد و از لحاظ رهبری و سازمانی به فرقه دمکرات پیوست.

پس از پیروزی قیام ۲۱ آذر حکومت ملی تشکیل یافت. به رهبری فرقه دمکرات آذربایجان به اصلاحات اساسی دست زد و کامیابی‌های بزرگی به دست آورد، تقسیم اراضی خالص و املاک فئودال‌ها و ملاکان بزرگ میان دهقانان، به کار افتادن کارخانه‌ها، مبارزه شدیدی علیه بیکاری، اقدام به آبادی شهرها، تشکیل سازمان‌های فدائی برای حفظ امنیت آذربایجان، تشکیل ارتش ملی، تأسیس دانشگاه، پیشرفت فرهنگ، اعلام زیتسان آذربایجانی به عنوان زبان رسمی، تدریس به زبان آذربایجانی در مدارس، توسعه شبکه بهداشت و تنظیم امور یازگانی، جلوگیری از هرج و مرج از اقدامات اصلاحی بود که در زمینه‌های گوناگون از طرف حکومت خلق به عمل آمد.

دولت مرکزی در نتیجه پیروزی جنبش ۲۱ آذر، دست به عقب نشینی زد و در تصویب نامه ۱۳۲۵ آن را تأیید کرد. اما دیری نپایید که امپریالیستهای آمریکا و انگلیس به تکیه افتادند و تعهدات خود را غدرانه زیر پا گذاشتند و یسه وسیله نیروهای مسلحی که به نام نظارت بر انتخابات به آذربایجان گسیل داشتند، جنبش خلق را با آتش و آهن سوزاندند و آذربایجان را به ویرانه‌ای بدل ساختند.

شعارها، برنامه و عمل فرقه دمکرات

آذربایجان و نتایجی که به رهبری این فرقه علی‌رغم دشواری‌های فراوان به سود مردم میهن دوست و زحمتکش کشور به دست آمده، نشان داد که فرقه دمکرات آذربایجان در سایه اعمال حق خود مختاری، منافع اکثریت زحمتکش و همه مردم استقلال طلب میهن ما را تأمین کرد و بسرای رهایی آنان از زنجیر ستم‌گری ارتجاع و امپریالیسم پی‌گیرانه رژیم.

حزب توده ایران، با توجه به اینکه افسران کشور کنونی طلعه‌ای است، که در آن ستم ملی وجود دارد، خواست تأمین حق کامل خلق‌های ایران در تعیین سرنوشت خویش و شناسایی حق اقلیتهای ملی ایران را در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود، خواستی بر حق و شرافتمندانه می‌شمارد و راه حل آن را تنها در چارچوب تحقق شعارها و نیز سرانجام سرنوشت انقلاب می‌داند؛ این خواست و اصل اساسی سیاستی است که حزب توده ایران، همواره و به ویژه پس از انقلاب مردم ایران بارها مطرح و پیوسته از آن دفاع کرده است؛ که سرنوشت کویران و زور پیشگان حاکم بر میهن ما، جز ظفره رفتن در برابر آن و به خون کشیدن خلق‌های سرزمین ما سیاست دیگری در پیش نگرند.

حزب توده ایران، دفاع از منافع اجتماعی و آزادی ملی خلق‌های ایران را کار و وظیفه سرشستی خود می‌داند و با اصولیت در این راه پیش‌روی رود و از این روست که برای نجات انقلاب و از درغلطیدن به ورطه شکست‌نهایی و جامه عمل پوشاندن به اهداف آن - از جمله حمله مسئله ملی - تمامی انقلابیون راستین و ضد امپریالیست و میهن دوست را به تشکیل جبهه متحد خلق قرا می‌خواند.

ما ضمن گرامی داشت ۲۱ آذر یقین داریم که شعارهای این روز که با خون هزاران زن و مرد میهن دوست ایران رنگین شده است، فردا به شعار عمل میلیونها ایرانی بدل خواهد شد.

## آغاز "محاکمات" توده‌ای‌ها، نزدیکی بیشتر به امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱۴

اساس این کار پایه حاکمیت ج ۱۰ به این نتیجه رسیده است، که برای شکست صدام، لازم است که حمایت امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، از رژیم صدام قطع شود. آنها با حساب کاسب‌کارانه به این نتیجه می‌رسند، که از آنجا که اهمیت استراتژیک و اقتصادی ایران برای امپریالیسم جهانی بیش از اهمیت رژیم عراق است، پس اگر ج ۱۰ تسلیم مظالم امپریالیسم جهانی بشود، امپریالیسم نیز با قطع کمک از رژیم صدام به یاری ج ۱۰ خواهد شتافت.

رئیس جمهور و نیروهای تحت فرمان او در

حزب ج ۱۰ و دولت‌عاملین فعال تحقق این کار پایه سیاسی هستند. بر این اساس و به انگلیس پیشرفت مذاکرات پشت پرده با امپریالیسم آمریکا، که آقای خامنه‌ای در شرایط محاصره نظامی دریایی ایران از سوی آمریکا، دولت مستعجل و خونخوار ایالات متحده را "پخته" و بی‌آزار خطاب می‌کند، و در حالیکه روی سخنش آشکارا با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، می‌گوید:

"قدرت‌های بزرگی که در شورای امنیت

عضویت دارند، باید بتوانند باردیگر حسن ظن ما را جلب کنند."

بر همین اساس رئیس جمهور همواره دست‌نشانندگان آمریکا در منطقه را دوست و هم‌پیمان سیاسی ج ۱۰ خوانده است:

"دو کشور ایران و پاکستان، منهای سبیل تاریخی و اعتقادی در مسائل سیاسی نیز که حاکی از برخی واقعیت‌هاست مشترک هستند. روابط دو کشور ایران و پاکستان از سوی بسیاری از عوامل جهانی مورد تهدید همیشگی است" (اطلاعات، ۱۲ شهریور ۱۳۶۲).

و نخست‌وزیر آشکارا خواهان شرکت ایران در پیمان نظامی - اقتصادی شورای همکاری دست‌نشانندگان امپریالیسم در خلیج فارس است:

بقیه در صفحه ۱۶

# تودو را کیس، یانیس ریتسوس و دیگر شخصیت‌های برجسته یونان: "جان قربانیان این توطئه شوم را نجات دهید!"

" کمیته همبستگی با دمرکراتهای درینسد ایران " در یونان بدرتاریخ ۵ دسامبر (۱۴ آذر) تلگرامی به دولت ایران مخابره نمود، که مضمون آن بدین قرار است :

" ششم دسامبر ( ۱۵ آذر ) ، محاکمه رهبران و اعضای حزب توده ایران به کارگردانی مسئولین حکومتی ج ۱۰۱ و بر پایه "اعتراضاتی " که به زور شکنجه کسب شده است آغاز می شود . کمیته همبستگی در یونان ، بارها به سفارت ایران مراجعه و درخواست کرده به هیأتی بین المللی ، مرکب از پزشکان و حقوق دانان اجازه دیدار با زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک داده شود ولی این تقاضا هم چنان بلا جنواب مانده است ، همان گونه که به طرح این درخواست از طرف کلیه سازمان های بین المللی ، پاسخ داده نشده است .

جان این مبارزین را خطر جدی تهدید می کند ، باید سریع اقدام کرد .

" کمیته همبستگی با دمرکرات های درینسد ایران " در یونان ، از کلیه سازمانها ، احزاب و نیروهای مترقی این کشور دعوت می نماید تا با دست زدن به ابتکارات گوناگون به نجات جان قربانیان این توطئه شوم ، برخیزند . اسامی شخصیت هایی که تلگرام اعتراضی فوق را امضاء کرده اند ، به قرار زیر است :

• تئودورا کیس میکس ، نماینده مجلس و آهنگساز  
• ریتسوس یانیس ، شاعر • پاپا میخائیل یانیس ، رئیس کنفدراسیون عمومی کارگران یونان • بایس دیمیتریس ، شهردار آتن • سوفیا نیدی ... اسپیریس ، دبیر کل حزب دهقانان یونان • ماخراس ارگلوس ، رئیس سند بکای حقوقدانان آتن • آلا ونوس آلکوس ، نماینده یونان در بازار مشترک اروپا • کالدیس نیکوس ، نماینده مجلس کاساکوس کوستاس ، دبیر کل جنبش هنرمندان سرتاسری یونان .

## سفارت ج ۱۰۱ در آتن ، از بندیش تلگرام اعتراضی حزب کمونیست این کشور ، علیه بیانی دادگاههای فرمایشی توده ای های درینسدسرازمی زند

حزب کمونیست یونان ، در تاریخ ۷ دسامبر ( ۱۶ آذر ) ، تلگرامی بدین مضمون خطاب به مقامات مسئول ج ۱۰۱ : مخابره نموده است . " دادگاهی که بدرتاریخ ۶ دسامبر ( ۱۵ آذر ) ، برای رسیدگی به اتهامات ساختگی اعضای حزب توده ، ایران آغاز شده ، در واقع دادگاهی است علیه ، مبارزان راه آزادی ، که سالیان سال علیه رژیم شاه و در راه منافع زحمتکشان و استقلال میهن شان پیگار کردند .

علیه ایران و حمایت آشکار نظامی از رژیم صدام - حسین بهره می گیرند و بعب گذاری ها و حمله به سفارت خانه های امپریالیستی در لبنان و کویت را پنهان تشدد بد جنگ روانی و زمینه سازی دخالت نظامی در منطقه می کنند ، در همین حال به تناسب خضوع و کرنش روز افزون ارتجاع حاکم بر ج ۱۰۱ ، که چاره بن بست جنگ را تسلیم کامل در برابر مطامع امپریالیسم و قربانی کردن بقایای انقلاب می داند ، نیازهای اقتصادی و تسلیحاتی آنان را پیش از پیش بر آورده می سازند ، و آنان را به همسویی و هم آهنگی سیاسی هر چه بیشتر با امپریالیسم جهانی دعوت و تشویق می کنند .

محاکمات رسوای اخیر ، مرحله نوینی در هم بسویی سیاسی با امپریالیسم جهانی و جلسب حسن نظر امپریالیست هاست . محافل امریبا - لیستی آشکارا سرکوب گران ایران را به قاطعیت و قساوت هر چه بیشتر در تحقق بخشیدن به آرزوهای دیرینه امپریالیسم جهانی ، تشویق می کنند ، و از زبانه خبرگزاری یونایتد پرس رهنمود می دهند که از آنجا که حزب توده ایران طی دوران موجود پیش با دولت های گوناگون ایران مبارزه می کرده است ، باید به شد بدترین وجه مجازات شود .

بدون تردید زحمتکشان میهن ما و همسسه انقلابیون راستین با درک مسئولیت تاریخی خود در برابر سرنوشت انقلاب پاسخ شایسته را به خیانت حاکمیت ج ۱۰۱ به اهداف انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن خواهند داد . \*

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان ، علیه سر پائی دادگاه های درستمای ، که برای این میهن پرستان ترتیب داده شده ، شدیدا اعتراض می نماید و خواستار آن است ، که کمیته ای بین المللی ، مرکب از حقوقدانان و خبرنگاران ، ناظر بر جریان محاکمات باشد ، تا حقیقت " اتهامات " برآی افکار عمومی آشکار گردد .

این تلگرام ، توسط هیأتی مرکب از رفقا : تاکیس آداموس عضو کمیته مرکزی ، آباتیلیسوس آدوینس و گئورگ پاپا فدریکس ، جهت تحویل به سفارت ج ۱۰۱ در آتن برده شده ، ولی مقامات سفارت ، از دریافت آن خودداری نمودند و حتی از پذیرفتن هیأت بلند پایه مذکور به محل سفارت خانه ، جلوگیری به عمل آوردند .

تلویزیون سراسری یونان چگونگی واقعه و نیز متن تلگرام را به تفصیل پخش کرد و روزنامه های مترقی این کشور نیز ، متن کامل این تلگرام را به چاپ رساندند . \*

## توجه

به علت تراکم مطالب ، تعداد محدود صفحات " راه توده " و کمبود جا ، درج بخش اعظم تلگرام ها ، نامه ها ، پیام ها و اقدامات اعتراضی احزاب و جمعیت ها و محافل مترقی و دمرکراتیک جهان از جمله دانمارک ، اطریش ، ایتالیا ، هندوستان ، آمریکا ، انگلستان و ... در این شماره ممکن نشد!

## کمک مالی به حزب توده ایران ، یک وظیفه انقلابی است!

• هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آمریکا (منطقه میانه) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 72

Friday, 16 Dez. '83

Address: Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

|              |             |     |      |
|--------------|-------------|-----|------|
| Price:       | England     | 30  | P.   |
| West-Germany | Belgium     | 22  | Fr.  |
|              | Italy       | 600 | L.   |
| France       | U.S.A.      | 50  | Cts. |
| Austria      | Sch. Sweden | 3   | Skr. |

